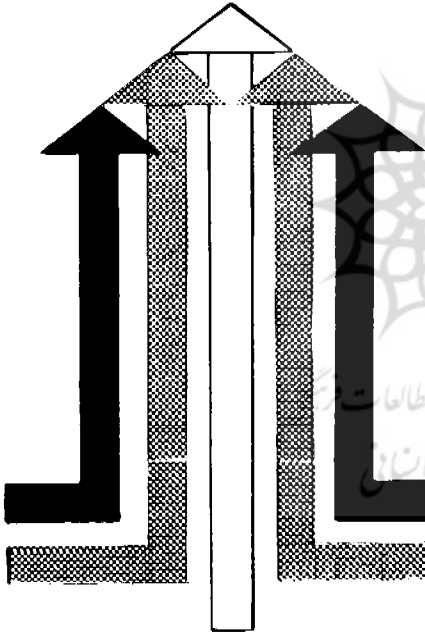


به او را داریم یا نه ؟ آیا معلم میتواند نظرات شخصی و خاص خود را درباره او ، آنهم بهرگونه‌ای که بخواهد اعمال کند یا نه ؟ دید اسلام درباره کودک دیدار با یک انسان است با یک حیوان و یا یک فرشته ؟

بدیهی است که ما ارزش وجودی او را باید از قرآن سراغ بگیریم از آن بابت که قرآن کتاب خداست ، از سوی آفریدگار بشر است ، در آن مقام و موقعیت انسان مشخص است بدون اینکه درباره او غلوی ، مبالغه‌ای و یا تنزلی باشد .

مساله مهمی که در تربیت اسلامی مطرح است و باید مورد نظر معلمان باشد مساله ارزش وجودی انسان است میخواهیم بدانیم انسان در رابطه با دیگر موجودات ، در پیشگاه خدا و مذهب چه ارزشی دارد ؟ مقام و موقعیت او چیست آیا دیدگاهها درباره او از نظر اسلام همان دیدگاههای مکاتب درباره اوست ؟



# اصول و مبانی فرهنگ اسلامی

دکتر علی قائمی

آفرینش انسان :

مطالعه در آیات متعدد قرآن این حقایق را

آگاهی از موارد فوق ما را در امر تربیت جهت میدهد و معلومان میدارد که درباره کودک چگونه بنکریم ، آیا حق تنبیه و اهانت



- بر بسیاری از آفریده‌های خدا برتری دارد  
(۷۰- اسراء)

- متعلم و شاگرد پروردگارا است (۲۸- فجر)  
- شایستگی بازگشت بخدا در اوست (۲۸- فجر)  
- ماه و خورشید مسخراوست (۳۳- ابراهیم)  
- روایات هم او را مجموعهای از کل ، عالم  
کبیر که جهان در او منظور شده است ذکر  
میکند .

- با همه عظمت وجودی او در برابر جهان  
کون بمانند ذره‌ای است نسبت به بینهایت .

وابستگی او به خدا :

او ارزشمند و قابل احترام است مخصوصا از  
آن بابت که وابسته بخداست ، هستی ،  
شخصیت و عظمت خود را از او میگیرد .  
- هستی او با حقیقت مطلق ارتباط  
و همبستگی کامل دارد .

- طبیعت و فطرت اولیه او مورد محبت  
و عنایت خداوندی است .  
- خداوند با او بنظر مرحمت مینگرد .  
- از آن خود ، پدر و مادر ، دوست ، اجتماع  
نیست بلکه تنها از آن خداست .  
- فطرتش با خدا آشناست .

- از نفخه روح خدائی برخوردار است .  
- هستی وجودش ملک خداست .  
- امانت خدا بدست خود ، والدین و اجتماع  
و دوست است .

- با همه وابستگی مقام او در برابر آفریدگار  
مقام مملوکی است نسبت به مالک و مقام  
عبدی است نسبت به مولای خویش (۱۱۸-  
مائده) .

راز توصیه‌ها در اکرام او

این همه توصیه‌ها درباره انسان و تربیت او  
بخاطر ارزش و احترام انسان است . پیامبر  
فرمود اگر مو اولادکم ، بفرزندان خود  
احترام کنید . و این توصیه نشان میدهد که  
طفل را چون اسباب بازی ، یک عروسک و یا  
وسیلهای برای عیش و خنده حضار نباید  
انگاشت و یا بر اساس معتقدات غلط و طرز تفکر  
افراد خوشگذران کودک مزاحم زندگی و انگل  
حیات نباید بتصور آید . او امانت خدا و  
عزیز اوست . آئینه تجلی صفات و عظمت  
خداوند است . او را نمیتوان کوچک و ناچیز  
پنداشت .

این هشدار باید بیشتر متوجه کسانی باشد که  
بمیز و مبل و تزئینات بیشتر از کودک اهمیت  
فائلند ، بمنظور گردگیری آن هر روز دستی  
بر سروروی آن میکشند ولی همین عنایت  
را از کودک خود دریغ میدارند .

حق تربیت او

از نظر اسلام تربیت حق کودک است و این  
حق در رابطه با ارزش وجودی انسان و

انرا و معنیدیس نمایند .  
 اصل احترام بکودک ، وابستگی او به خدا ،  
 ارزش و کرامت او ایجاب میکند که رعایت  
 حال او را بکنیم و از آزادی او برای بیدار  
 نگاهداشتن او ، رشد و پرورش هوش و ذکاوت  
 او استفاده کنیم و در این راه زدن ، اهانت  
 کردن و حتی تحقیر کردن او را نمیتوان حقی  
 برای مری بحساب آورد . حتی سخن گفتن  
 در پشت سر او جز در آنجا که مربوط به حفظ  
 سلامت او و رشد و تعالی اوست روا نخواهد  
 بود .

### سیر مسئولیت او

ارزش وجودی انسان در گرو احساس مسئولیت  
 اوست . اگر بنا شود فردی احساس تعهد نکند  
 و یا بمسئولیت تن در ندهد قیمت و اعتباری  
 نخواهد داشت . بر این اساس ، برای احیای  
 شخصیت او و دادن اعتبار به او ضروری است  
 این جنبه را در او رشد و پرورش دهند .  
 او بخاطر ارزش وجودی خود ، مایه‌هایی که  
 در اختیار دارد ، زمینه‌های فطری که در  
 اوست مسئول است ، مسئولیتهای فردی و  
 اجتماعی دارد ، باید عمل کند ، حساب  
 پس دهد ، بار خود را بردوش کشد  
 و در حدود امکان برای سبک کردن کار دیگران  
 نیز اقدام کند و این مسائل خود نیازمند

بقیه در صفحه ۴۷

وابستگی او ب خداست . والدین و مربیان  
 جامعه و مردم همه موظف به بزرگداشت او و  
 هدایت و پرورش او میباشند . همگان و نیز  
 خود او وظیفه دارند در طریق رشد و تعالی  
 او گام بردارند .  
 کودک در زمینه تربیت از والدین خود  
 طلبکار است و والدین و مسئولان امور باید این  
 بدهکاری را بوجهی شایسته ادا کنند و در  
 این راه در پیشگاه خدا و مردم مسئولیت  
 دارند . در ادای این حق آنها نمیتوانند  
 طفل را مورد بی مهری قرار دهند ، به او  
 اهانت روا دارند و یا خوار و کوچکش  
 بیندارند .

بعدها در مرحله‌ای که کودک بسن تمیز رسیده  
 است خود هم درباره خویش وظیفه پیدا  
 میکند ، موظف میشود که برشد و تعالی خود  
 بپردازد و از هر چه که مایه تخدیر و عقب  
 ماندگی اوست دور و برکنار بماند . بدیهی  
 است در آنگاه که تا حدود امکان بچنین  
 وظیفه توجه نکند مسئولیت الهی دامنگیر  
 او هم خواهد شد .

### اصل حریت کودک

کودک آزاد است ، آزاد به دنیا میآید .  
 والدین و مربیان حق ندارند او را جز در  
 چارچوب مقررات و تعالیم الهی محدود کنند  
 در آنجا که از آزادی او خطری متوجه او و مردم  
 اجتماعش شود البته وظیفه دارند که جلوی

را برایگان برای او بنهند در هنگام بزرگسالی و کاهش قدرت بجرم اینکه زیبایی چهره اش کم شده و فرهنگش مطابق روز نیست نباید به کنار نهاد و رها کرد و او را تنها گذاشت . هرکسی که به سنین پیری میرسد گنجینه ای از تحارب است و مجموعه ای از خدماتی است که به جامعه کرده و گرچه امروز چندان فعال نیست اما حاصل خدمات او در گذشته است که زیر نهاد و مایه قوام جامعه کنونی است و

دریک آیه مفصل و مبسوط ، خداوند رعایت حرمت پدر و مادر را بلافاصله پس از عبودیت ذات مقدس خودش قرار میدهد و با ظرافت خاص هر فرزند را ملزم میسازد که مقابل پدر و مادر نهایت فروتنی را منظور دارند . این حرمت بقدری والا است که با دقت در آن انسان پیوستگی خود را به همه آباء و اجداد گذشته و به همه اولاد و نوهها که در آینده خواهند آمد رویت میکند و لمسی مینماید .

# احترام به پدر و مادر

دکتر آموزگار

تمدن محصول تلاش همگانی همین افراد است ؛ و ترجمه آیه چنین است : پروردگار تو حکم کرد که نپرستید مگر او را و به پدر و مادر هنگامیکه یکی یا هر دو شان به پیری رسیدند نیکی کن ، و کلمه ای که رنجیده خاطر شوند نگوی ، و بانک برآندو مزین ، و با ایشان به اکرام سخن گوی : (۱) بال فروتنی را برای

دگرگونی از جوانی به کهنسالی و فرسودگی بهنگام پیری را مجسم میسازد . فرزندى که خود حرمت کننده است در می یابد که در آینده خود حرمت شونده خواهد بود . مشاهده میکند پدر و مادری را که در طی یک عمر همه تلاش کرده اند تا به کوچکترین نیاز فرزند پاسخ دهند و حاصل همه دسترنج خود

آندو با مهریابی بکسران ویکو ، بارالهه  
رحمت فرمای آندورا هجانکه مرا در کودکی  
تربیت کردند . ( ۲ ) از آنجا که پدر و مادر  
نقش اساسی را در تربیت فرزند دارند و از  
آنجا که در سالیهای کودکی همه نیازمندیهای  
فرزند خود را با دلسوزی و بذل مال وسیعی  
زیاد مرتفع کرده‌اند ، از آنجا که هیچکس  
دیگر مثل پدر و مادر اینطور ایثارگرانه عمل  
نمیکنند خداوند دستور میدهد که فرزند حتی  
بعد از مرگ ، برای آنان رحمت و مغفرت  
طلب کند ، این بدان معنی است که از آنان  
نگسسته و رابطه‌اش نبایستی با آنان منقطع  
شود ، و خدماتی را که از آنان دریافت کرده  
نباید فراموش کند و بی مزد بنهد .

اینطور تفکر خاص فرهنگ اسلامی است ،  
بدیهی است یک ماتریالیست یابی خدا  
اینگونه عمل را نخواهد داشت و تائید نمیکنند  
زیرا در نظام فکری که بی خدا باشد همه  
چیز بامرگ تمام است و دعا و آموزش معنی  
ندارد . بر اثر این روح رفت و حق شناسی  
که در مسلمانانست و خود را مدیون و مسئول  
خدا و پدر و مادر می‌دانند از سختی قلب و  
بی وفائی آنها جلوگیری می‌شود . و پیوند  
انسانها محکمتر می‌گردد .

### روابط فامیلی

علاوه بر توصیه‌هایی که اسلام در مورد  
احترامات و حقوق پدر ، مادر ، دختر ، پسر  
خواهر و برادر ، زن و شوهر کرده است ،  
برای پدر بزرگ و مادر بزرگ ، -نوه‌ها ، عمو ،

داتی و فرزندان آنها نیز حقوقی فائل شده  
است صلح رحم از جمله سفارشهایی است که  
زیاد بر آن تکیه شده و قطع رحم کاری  
ناصواب شمرده شده است . اعضاء فامیل  
بر حسب درجه قرب از یکدیگر ارث می‌برند .  
پدر بزرگ و مادر در قیمومیت حق تقدم  
دارند . در این حقوقی که خداوند معلوم  
داشته جالب اینستکه هیچگاه بحکم قرابت  
فامیلی از کسی که از اعضاء فامیل نیست  
نمی‌توان حقی را ضایع کرد ، و چنانچه  
شخصی از بیگانگان و غیر خویشاوندان از  
شخص متوفی طلبی دارد اول بایستی طلب او  
را که دین متوفی بحساب می‌آید پرداخت کرد  
آنگاه ارث را طبق میزان تقسیم نمود . همه  
این نکات برای حسن ارتباطات اجتماعی  
است تا مالی بیاطل مصرف نشود و کشمکش  
پیش نیاید و سروکار به قاضی دادگستری نیفتد  
در این باره میفرماید بقره ۱۸۷ - مال  
یکدیگر را بناحق نخورید و کار را به محاکمه  
قاضیان نیفکنید که بوسیله رشوه و زور پاره‌ای  
از مال مردم را بخورید با اینکه شما ( بطلان  
دعوی خود را ) می‌دانید .

باهمه‌اهیمتی که خانواده داراست وارث با  
شرایطی در میان بستگان می‌چرخد و پدر  
بزرگ در پاره‌ای کفایتها و ولایتها حق تقدم  
دارد و رعایت حرمت پدر و مادر برای



مرد میفرماید : (۵) زنان بمنزله لباس شمایند و شما بمنزله لباس زنان هستیند : نتیجه میگیریم همانطورکه لباس ، انسان را از خطر و بیماری و نازیبائی حفاظت میکند ، و نواقص انسان را ( اگر نقصی باشد ) میپوشاند ، مرد و وزن نیز در حضور و غیاب هم بایستی که چنین کنند . به مردان امر میشود (۶) خودتان و خانوادهتان را ( که حداقل شامل زن و فرزندان است ) از آتش ( که



فرزندان لازم گردیده ، مع الوصف همینکه منافع اجتماعی ایجاب کند و مساله عدل مطرح باشد ، شخص مسلمان بایستی در وقت شهادت بِنفع خویشان خود ، حق فرد یا جامعه را تحت الشعاع قرار دهد . در این مورد میفرماید (۳) ای مومنان نگهدار عدالت باشید و برای خدا ( موافق حکم خدا ) گواهی دهید ، هرچند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد . برای هرکس شهادت میدهید فقیر باشد یا غنی طرفداری نکنید . که خدا به رعایت آنها اولی است . پس در شهادت پیروی هوی نکنید و از حق عدول ننمائید . و اگر زبان را بگردانید ( بِنفع خود مبهم و مجمل ) یا از بیابان خودداری کنید ، خداوند به آنچه می کنید داناتر است .

تشکیل خانواده و حرمت آن در اسلام به امر ازدواج صریحا در قرآن تاکید شده است و میفرماید (۴) مردان بی زن و زنان بی شوهر ازدواج کنند ، در این مورد ترس از بی چیزی را با امید به فضل گسترده خدا زایل کرده است . در آیه ۳۲ سوره نور میفرماید : افراد مادام که امکان ازدواج برایشان فراهم نیست عفت بورزند تا آنکه خداوند آنانرا غنی گرداند .

در آیه ۱۸۷ سوره بقره خطاب به زن و

میشوند و براین اساس استقلال مالی زن در خانه شوهر تضمین شده است و دستمزد و حاصل کارش متعلق به خود اوست و رابطه مالی زن و شوهر تحت قاعده و نظم است و استعمار یکی نسبت بدیگری مطرح نیست .

برای حفظ احترام زن و خاتمه دادن به آشفته‌گی که در عصر جاهلیت شایع بوده در آیه ۳۲ سوره احزاب به زنان خطاب میشود : درخانه‌هایتان آرام گیرید و بی‌حاجت و ضرورت از خانه بیرون نروید و مانند دوره جاهلیت آرایش غیر معقول نکنید :

۱- سوره اسراء آیه ۲۲

۲- سوره اسراء آیه ۲۳

۳- سوره بقره آیه ۱۸۷ ولاتاكلوا اموالکم بینکم بالباطل وتدلوها بها الی الحکام لتاكلوا فریقا من اموال الناس بالاثم وانتم تعلمون .  
۴- سوره نساء آیه ۱۳۴ یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین بالقسط شهوا لله ولوعلی انفسکم اوالوالدین والاقربین ان یکن غنیا ووفیقا فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا و ان تلووا و تعرضوا فان الله کان بما تعملون خبیرا .

۵- سوره نور آیه ۳۱ وانکحوا الایاهی منکم و الصالحین من عبادکم . هن لباس لکم و انتم لباس لهن .

۶- سوره تحریم آیه ۶- قوا انفسکم واهلیکم نارا .

۷- سوره شوری آیه ۴۵ - ان الخاسرین الذین خسروا انفسهم واهلیهم یوم القیمه .

۸- سوره نساء آیه ۳۱ - ... للرجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن ....

بستگی خانوادگی و مسئولیت خانوادگی بقدری است که در آیه ۴۵ سوره شوری آمده است که (۷) همانا در روز قیامت زیانکاران کسانی اند که بنفس خود وهم به خانواده خود در دنیا زیان رسانیده‌اند : شبیه بهمین معنی در سوره زمر آیه ۵ نیز هست .

در حوزه فامیلی ، قرآن عده‌ای را در سوره نور آیه ۳۰ برمی‌شمارد که بنام محارم خوانده میشوند و این عده چنانچه زن را در زینت و زینت ببینند مجازند و مانعی ندارد ، ولی همه مردان مجاز نیستند که زینت زن را مشاهده نمایند . با توجه باینکه قبل از اسلام زن موجودی کم منزلت و تنها برای تمتعات جنسی بحساب می‌آمده ، مشاهده می‌کنیم که موضوع حجاب برای حفظ حرمت آنان و رفعت شان و پاک‌گی آنان بوده و هست تا هر مرد هوسرانی بدین موجود که تضمین شرافتش در گرو پوشیده بودنش است نتواند سوئ نظر کند و این تمتعات در کانون خانوادگی محدود و مختص به زن و شوهر باشد .

در سوره نساء مفرماید (۸) : هرکدام از



همه مدارس ملی دولتی شده بودند یک هفته از آغاز تحصیلی میگذشت برخی از کلاسهای مدرسه هنوز معلم نداشت دانش-آموزان آن مدرسه که با این نوع بی نظمی ها عادت نداشتند مرتب تق میزدند ، ناظم مدرسه هم از گله وشکوه آنان رنج میبرد روز شنبه بود که دانشآموزان پشت دفتر مدرسه جمع شده بودند ومعلم هندسه را که تازه وارد شده بود ورنداز میکردند .

یکی می گفت از سن وسالش پیداست که معلم با تجربه ای باید باشد ، دیگری میگفت پسر دایی من شاگردش بوده از نحوه تدریس او رضایت داشت .

صدای زنگ مدرسه بلند شد ناظم مدرسه با خوشحالی دانشآموزان را برای رفتن بکلاس راهنمایی میکرد .

ولی هنوز یک هفته از آمدن معلم هندسه نمیگذشت که شاگردان اعتصاب کرده از رفتن بکلاس خودداری نمودند ، ناظم مدرسه بطرف دانشآموزانی که در حیاط مدرسه تجمع کرده بودند ، رفته گفت : خوب حالا دیگر چرا بکلاس نمیروید ؟ یکی از شاگردان شروع بصحبت کرده گفت آقا این چه معلمی است خیال میکند هنوزهم دوره طاغوت است برای بچهها خط ونشان میکشد میگوید اگر کسی پس از من وارد کلاس شود حق ندارد در کلاس درس شرکت کند ، احمازاده در نمازخانه نماز میخواند یک دقیقه دیرآمده بود او را بکلاس راه نداده شخصیت او را

# روادینها رتبند

به ریس دولتی کشیدند و برای اولین بار  
قدم بمدرسه ملی گذاشته باید از روانشناسی  
ارتباط آگاهی داشته بدانند که جو این مدرسه  
با مدارس دولتی فرق دارد دانش آموزان ملی  
کمی حساس و پرتوقع اند معلم باید بداند  
که شاگردان مدارس پس از انقلاب جسور  
شده اند باید بدانند که دانش آموزان به برکت  
انقلاب باندازه یکصدسال آموزش دیده با  
جرات و شهامت شده اند گرچه تعداد معدودی  
از شاگردان تنبل از این رهگذر سوء استفاده  
میکند ولی آنچه که باید مورد توجه معلمان و  
مدیران قرارگیرد اینست که دانش



آموز انقلابی دیگر حاضر نیست زیر بار  
زورگویی ها و تحکات نا بجا برود ، دیگر  
بانوب و تشر نمیتوان شاگردان را به آرامش

یکی دیگر از شاگردان گفت آقای ناظم  
وظیفه اصلی و اساسی معلم درس دادن است  
چرا این آقا در امور نظم و انضباط دخالت  
میکند ؟ این کارها مربوط به شماست .

یکی دیگر از شاگردان که رشتناش ادبی  
بود گفت آقای ناظم مگر شما نمیگوئید :  
درس معلم اربود زمزمه محبتی

جمعه بمکتب آورد طفل گریز پای را  
این آقا اگر درش زمزمه محبتی باشد همه  
دانش آموزان دوان دوان بکلاسش خواهند  
رفت با این کارها که نمیتوان شاگردان  
را جذب کرد !

ناظم مدرسه که در برابر اعتراضات شاگردان  
جواب قانع کننده ای نیافته و دردل حق را  
بشاگردان میداد برای ساکت کردن آنان  
آقایان عزیز در نظام نوین آموزش از پرورش  
جدا نیست معلم واقعی کسی است که علاوه بر  
آموزش دانش آموزان آنان را با اصول نظم و  
انضباط آشنا سازد

در همین هنگام یکی از شاگردان سخن ناظم  
را بریده گفت آقای ناظم همین سختگیری ها  
در شاگردان حساسیتی ایجاد کرده بطوریکه  
همه میکوشند دقایقی دیرتر بکلاس بروند و  
حال آنکه اگر معلم هندسه رفتاری عادی داشت  
همه بموقع در کلاسش حاضر میشدند .

دانشمندان تربیت معتقدند که کار معلمی  
بسیار دشوار است ۷۵% بافت معلمی  
روانشناسی است معلمی که سالیان سال در

و ادراک ساخت . شاگرد دوره انقلاب اگر جرات و جسارتش زیاد شده بهمان نسبت فکر و اندیشه‌اش نیز گسترش یافته بخوبی درک میکند چه کسی بدرد معلمی خورده و دلسوز است و چه کسی وقت گذرانی کرده دنبال بهانه می‌گردد ، بنابراین شاگرد انقلابی معلم طاغوتی را شناسائی کرده و همچنین معلم فداکار را نیز شناخته با همه وجودش در برابرش بخضوع در می‌آید و او را محترم میدارد .

آری به برکت انقلاب دانش‌آموز فکر و روحش بفرخی آسمان و فضای بیکران اوج و گسترش یافته بمصداق شعر حافظ :

نگار من که بمکتب نرفت و خط نوشت

بغمزه مساله آموز صد مدرس شد  
شاگرد دوره انقلاب دگرگونی یافته بجای  
خمودگی و ترس روح سرکش و فداکاری یافته  
است امروز معلمان باید از این همه تغییر و  
تحول شاگرد درس شهامت و خلوص بیاموزند  
چنانچه سربازان و پاسداران ما در جبهه‌ها  
از کودکان سیزده ساله درس فداکاری و گذشت  
می‌آموزند .

معلم خوب نباید از یک بعد و زاویه با  
شاگرد ارتباط پیدا کند بلکه باید دیدی همه  
جانبه داشته بداند فردی که بعنوان شاگرد  
در برابرش نشسته یک انسان پیچیده و معمای  
دفتر هستی و آفرینش است چنانچه علی‌علیه  
السلام میفرماید :

اتزعم انک جرم صغیر  
وفیک انطوی العالم الاکبر  
گمان مکن که تو یک موجود و عنصر کوچک و  
ناچیزی هستی بلکه جهانی بوسعت همه  
هستی در تو نهفته و نهان است .

بنابراین معلم باید بداند که بایک انسان  
پیچیده‌ای که هزاران نوع احساسات و عواطف  
گوناگون دارد سروکار دارد معلم باید بداند  
برخی از شاگردانش برادر و یا سرپرست خود  
را در جبهه‌ها از دست داده اند معلم باید  
بداند که برخی از شاگردانش از نظر  
اقتصادی در سخت‌ترین شرایط بسر می‌برند در  
چنین شرائطی از یک معلم واقعی لجبازی و  
یک دندگی خطائی بس بزرگ و نابخشودنی  
است .

معلم باید بداند که موقعیت او به کیفیت  
ارتباط او با دانش‌آموزان بستگی دارد زیرا  
اگر معلم نتواند افکار و تجارب مورد نظرش  
را آنچنانکه میخواهد به دانش‌آموزان انتقال  
دهد از کارش نتیجه مطلوب نخواهد گرفت .  
از این رو مساله ارتباط از مسائل مهم  
روانشناسی جدید میباشد در هرحال بدون  
ارتباط هیچگونه تاثیر متقابل بین افراد  
انسانی امکان ندارد و به عبارت دیگر ارتباط  
است که بما نشان میدهد چقدر توانسته‌ایم  
در اطرافیان خود نفوذ کرده و افکار و عقاید  
خود را بآنان انتقال داده باشیم .

ارتباط انسان با دیگران بعقیده برخی از  
دانشمندان جزء غرائز او بشمار آمده است

انسان نسبت به حیوانات پخته‌تری دارد و دهد حتی با جهانی که در آن قرار دارد ناگزیر از ارتباط است .

ارتباط با موجودات بیجان و جاندار برای او سهل و ساده است با سانی دل کوه را شکافته و بقعر اقیانوس ها دست یافته حتی بکره ماه و فضا نیز چیره شده حیوانات غیر اهلی را رام و مسخر خویش ساخته است ولی از همه اینها مشکل تر ارتباط او با انسان- هاست هنر انسان بودن در ایجاد اینگونه ارتباط هاست ارتباطی که پیوند و النیام از آن تراوش کند نه جدائی و تفاخر ارتباطی که دلها را بیکدیگر نزدیک ساخته از کثرت ها وحدت بوجود آورد .

اسلام حتی روابط انسان را با حیوانات نیز از نظر دور نداشته و وظیفه انسانی را در روابط با آنان کاملا رعایت کرده و کوشیده که رفتار انسان ها در ارتباط با حیوانات نیز عاطفی وانسانی باشد و بطریق اولی میتوان فهمید که رابطه انسان با انسان برجسته پایه‌ای استوار شده است .

بقیه در صفحه ۵۱



# روانشناسی کودک

آنچه باید اولیاء و مربیان بدانند  
مسئله انضباط امری است بسیار فردی و  
شخصی . هر پدر و مادری خودش بهتر  
میداند که در مورد او و کودکش چه روشی  
مفید است و هیچ شخص دیگری نمیتواند برای  
شما تصمیم بگیرد که چگونه انضباط را در  
کودکتان بوجود بیاورید . ولی بنظر بسیاری  
از والدین پیشنهادهای زیر مفید و موثر بوده  
است .

روی حرفی که زده‌اید بایستید  
اغلب اوقات والدینی در ایجاب  
انضباط در کودکان خود بیشتر موفقیت دارند  
که دارای سیاست و روش ثابتی هستند و همه  
میدانند که این اشخاص وقتی حرفی بزنند  
آنها انجام خواهند داد . اگر گاهی از اوقات  
فکر خود را تغییر میدهید هیچ ضرری ندارد  
که این تغییر عقیده و علت آنها هم بکودک  
بگوئید . ولی رویهمرفته اگر کودک بداند که  
شما روی حرف خودتان میایستید زندگی  
برای او خیلی آسانتر خواهد شد .

پدر و مادر باید از یکدیگر پشتیبانی کنند  
اگر چه موارد استثنائی زیادی هم وجود  
دارد ولی رویهمرفته اختلاف سلیقه پدر



و مادر در امر انضباط کودک فراوان نباید  
میشود . معمولا پدرها جدی تر و سختگیرترند  
و حال آنکه مادرها ممکن است فکر کنند که  
کودک مرحله خاصی از رشد و نمو خود را  
میگذراند و باید برای مدتی تسلیم او شد .  
آنچه برای طفل اهمیت دارد اینست که  
احساس کند پدر و مادرش در دستورات خود  
روش ثابتی دارند در اینصورت میداند که از  
هر کدام چه انتظاری باید داشته باشند .  
کودک چهارساله‌ای را بیاد داریم که وقتی  
پدرش برای اولین مرتبه او را کتک زده بود  
با خشم فراوان اعتراض میکرد ولی نه برای  
آنکه کتک خورده بود بلکه میگفت "هیچکس  
جز مادرم نمیتواند مرا کتک بزند" .

اختلاف بین پدر و مادر هرچه باشد حتما  
باید بطور خصوصی درباره آن با یکدیگر  
صحبت کنند و در برابر کودک جهت واحدی  
را تشکیل دهند و از همدیگر پشتیبانی نمایند  
اگر یکی از آنها عقاید دیگری را در برابر  
کودک تایید نکند و یا از آنها بدتر نسبت  
بآن انتقاد نماید تقریبا بطور قطع میتوان  
گفت که انضباطی بوجود نخواهد آمد .  
آیا باید انتظار اطاعت کامل از کودک داشت ؟  
البته این موضوعی است که فقط خود شما  
میتوانید درباره آن تصمیم بگیرید . بنا  
بعقیده ما که لابد تا بحال بآن پی برده‌اید ،  
اگر اطمینان دارید که تقاضاها و انتظارات شما

سستی و مناسبت پاس نمودن است .  
انتظار این اطاعت را از او داشته باشید .  
ولی از طرف دیگر ما معتقدیم که انتظار  
اطاعت کامل و فوری از کودک برای هر  
دستوری هم که باشد نه تنها غیر منطقی  
بلکه غیر عملی است ( عده‌ای از کودکان  
هستند که رفتارشان را نمیتوان پیش‌بینی کرد  
با اینگونه اطفال باید دو رفتار متضاد داشت  
یعنی هم مسالمت و سازش و هم انضباط شدید  
و سختگیری . اینها بجهه‌هایی هستند که  
همیشه یک رفتار متغیر و ناثابت از طرف  
والدین لازم دارند و این نوع رفتارهای متضاد  
اگرچه برای پدر و مادر خیلی ناراحت کننده  
است ولی برای خود کودک لازم و درعین  
حال موثر است ) .

باید کودک را کتک زد یا نه ؟

در سالهای اخیر مربیان کودکان شدیداً  
متمايل باین عقیده شده‌اند که باید از تنبیه  
اطفال خودداری کرد . البته این روش  
تربیت سالمتر و بهتر است ولی هنوز عده‌ای  
وجود دارند که میخواهند بقدرت دست یا  
اعمال زور بر کودکان حکومت نمایند . این  
اشخاص هنوز هم خطر مسالمت را در تربیت  
کودکان یادآوری میکنند و میگویند " اگر چوب  
در کار نباشد بچه لوس خواهد شد " ولی  
این اشخاص فقط هدفشان کنترل ظاهری  
کودک است و به نیروهای درونی او که وابسته



است از رسیدن باین مرحله جلوگیری کرد ؟  
اگر هریک از موقعیتهائی را که منتهی بکتک زدن طفل شده بررسی و تجزیه کنیم باین نتیجه میرسیم که بهر حال یک موقع والدین و کودک از جاده اصلی منحرف شده‌اند و چون علائم راهنمائی این جاده بچشمشان نخورده و یا توجهی بآنها نکرده‌اند بکوچه بن بستی رسیده‌اند . در اینجا است که نیروهای طرفین روبروی هم قرار میگیرند و والدین برای بازگشت بجاده اصلی مجبورند بکتک و عصیانیت متوسل شوند . ممکن است کتک زدن موقتا افق تیره رابطه والدین و کودک را روشن سازد ولی همیشه خطر تکرار

برشد و نمو است توجهی ندارند . اینگونه افراد اگر بروشی که بکار میبرند دقیقتر نظر کنند متوجه خواهند شد که نتیجه آن جزئی است و اگر هم بظاهر با موفقیت توأم باشد غالب اوقات دیر یا زود آتش درونی کودک از جای دیگری مشتعل خواهد شد . والدینی که بمراحل رشد و نمو کودک عقیده دارند و میدانند که چه وظیفه مهم و بارزی را در آشکار ساختن خصوصیات فردی او بعهده دارند میتوانند از تجزیه و تحلیل عمل تنبیه استفاده نمایند و نتیجه بگیرند چرا و چگونه پدر و مادر بمرحلهای میرسند که مجبور میشوند کودک را کتک بزنند و آیا ممکن



آن وجود خواهد داشت .

بنابراین وظیفه ما بزرگترها است که درباره هریک از این موقعیتها دوباره فکر کنیم و ببینیم که در این جاده کدام علامت از نظر ما پنهان مانده و بآن توجه نکرده‌ایم و بجای راهی که رفته‌ایم بهتر بود از چه راهی می‌رفتیم . گاهی از اوقات کافی است که فقط کنار جاده بایستیم و با صبر و متانت منتظر شویم و همین کار بما کمک خواهد کرد تا دید بهتری پیدا کرده و راه صحیح را بیابیم . اگر این قوه جهت یابی و دید در انسان تقویت شود خیلی کمتر مرتکب اشتباه خواهد شد .

بنابراین اگر کار بجائی رسیده که باید کودک تنبیه شود غالب اوقات میتوان گفت که خود والدین دچار خطا و اشتباه شده اند نه کودک ، باین معنی که در هر حال نتوانسته‌اند از رشد و نمو او حمایت و پشتیبانی نمایند . پدر و مادر کم کم باین نکته پی - می‌برند که در بعضی از سنین دوران کودکی ( مثل ۲/۵ سالگی و ۵/۵ سالگی ) اختلافات بیشتری بین آنها و فرزندشان وجود دارد . علاوه براین کم کم متوجه نتیجه نامطلوب و تلخی که از کتک زدن کودک در این سنین





دکتر فیاض بخش

بِسْمِ اِلهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
" فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانَ مِمَّ خُلِقَ - خُلِقَ مِنْ  
مَاءٍ دَافِقٍ - يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ "  
مفاد این آیه این است که :

" باید انسان فکر کند که از چه آفریده شده  
است ، از آب جهنده‌ای آفریده شده است  
که از زن و مرد خارج میشود "  
تخمندان : دو تاست هریک باندازه گردو ، در

بهداشت  
مادران

بلوغ ، فعالیت زیادی ندارد ، در حدود ۹ سالگی فعالیت آن شروع میشود و با کار آن بلوغ وعلائم ثانوی تناسلی وقاعدگی وغیره چنانچه خواهیم گفت ، شروع خواهد شد .  
اعمال تخمدان : تخمدان سه کار مهم انجام میدهد :

۱- تخمک گذاری

۲- ایجاد فولیکولتئین

۳- ایجاد لوتئین

۱- تخمک گذاری : تخمدان حاوی ۴۰۰ تخمک ( اوول ) فعال است که از شروع بلوغ ( حدود ۹ سالگی ) تا ۵۰ سالگی ماهی یکعدد تقریباً روز ۱۴ رگل از خود خارج میکند ونطفه زن حساب میشود .

زن مثل مرد نطفهای که با هر مقاربت ویا بدون مقاربت درحالات مختلف خارج میشود ندارد وقط ماهی یکبار ، آنهم تقریباً در روز معین یک تخمک از خود خارج میکند که وارد لوله وبرحم منتقل میشود ، حدود ۱۰ روز در رحم توقف میکند وبعد با خون قاعدگی خارج میشود .

۲-۳- فولیکولین ولوتئین :

قبل از شرح این دو ماده لازم است مختصری راجع به هورمون صحبت شود .

خیلی از اعمال غیر ارادی انسان مثل عرق کردن ویا هضم غذا ویا ایجاد شیر در پستان وغیره توسط هورمونها انجام میشود . که با گردش خون بتمام بدن میروند ( این

شاید در حدود چند ثانیه است . انجام میشود ) غددی در بدن موجود است واز آنها موادی داخل خون ریخته میشود باسم هورمون وهرکدام مامور انجام کاری درجای دیگر بدن هستند .

مثلاً در مورد تخمدان ماده فولیکولین از تخمدان ترشح شده وارد خون میشود واعمال زیر را انجام میدهد .

الف : بلوغ وعلائم ثانوی جنسی مثل رشد پستانها وموهای ظهار وزیر بغل ورشد دخترانه وحالتهای مخصوص دختران .

ب : کار دوم فولیکولین تنظیم قاعدگی است با افزایش ترشح ، از روز اول قاعدگی مخاط رحم کلفت وپرخون میشود وآماده برای پذیرش تخمک میگردد در روز چهاردهم ، تخمدان ترکیده ویک تخمک از خود خارج میکند .

از روز چهاردهم ، از بستر تخمک کسه ترکیده شده ، روی تخمدان ماده دیگری باسم لوتئین ترشح میشود که مخاط رحم را پر پرخون تر کرده وآماده حاملگی میکند ، تا مقدمه تشکیل جفت فراهم شود .

دراین فاصله تخمک که در روز چهاردهم از تخمدان جدا شده است وارد رحم شده وارد رحم شده وروی مخاط پرخون وآماده رحم ، در انتظار ملاقات نطفه مرد مینشیند اگر بعد از ۱۰ روز ملاقات انجام شد ، مخاط پرخون تبدیل به جفت شده حاملگی ادامه

پیدا میکند والا بصورت خون قاعدگی مخاط رحم ، با تخمک ، کنده شده و خارج میشود . ماده دومی که تخمدان ترشح میکند "لوتئین" است .

این ماده از روز چهاردهم رگل از بستر تخمک روی تخمدان ترشح میشود و دارای خواص زیراست :

الف - مخاط پرخون ، رحم را برای حاملگی آماده میکند و اگر ملاقاتی بین تخمک و نطفه مرد انجام شود حاملگی ادامه پیدا کرده مخاط پرخون تبدیل به جفت میشود ، و اگر ملاقات انجام نشود مخاط پرخون و تخمک بصورت خون قاعدگی از رحم خارج میشوند امروز بطور مصنوعی دو ماده ترشخی

تخمدان یعنی : فولیکولین و لوتئین را بدست آورده اند ، و در بازار طب از آن استفاده میکنند و باین ترتیب میتوان قاعدگی مصنوعی برای زن بوجود آورد . اول فولیکولین تا ۱۴ روز بزین میدهیم و از روز چهاردهم لوتئین اضافه میکنیم ، بعد از ۱۰ روز قطع میکنیم زن قاعده میشود و اگر دادن لوتئین ادامه پیدا کند تا هر زمان که بخواهیم ، زن قاعده نمیشود و حاملگی کاذب بوجود میآید یعنی بدون اینکه زن حامله باشد بعلت وجود لوتئین در خون ، مخاط رحم بصورت حاملگی ادامه پیدا میکند بدون اینکه تخمکی در آن باشد .

از این موضوع در قرصهای جلوگیری استفاده شده است .



ب - خاصیت دیگر لوتئین این است که جلوی تخمک گذاری تخمدان را ( که باید هر ماه ، روز ۱۴ قاعدگی انجام شود ) میگیرد یعنی وقتی حاملگی بوجود آمد دیگر تخمدان در ۹ ماه حاملگی و گاهی تا چند ماه بعد از آن موقع شیردادن تخمک گذاری نمیکند . باین ترتیب از این دو خاصیت لوتئین - ( جلوگیری از تخمک گذاری و بقاء مخاط رحم بصورت حاملگی کاذب ) در طب بصورت قرصهای جلوگیری استفاده میشود . قرصهای جلوگیری که همان لوتئین با مختصری فولیکولین است اگر از ابتدای قاعدگی بزین داده شود ، تخمک بوجود نمیآید . پس حاملگی انجام نمیشود و دیگر اینکه با ادامه دادن قرص تا هر وقت که بخواهیم قاعدگی

حج برخی از این قرصها برای جلو یا عقب انداختن قاعدگی ، استفاده میکنند که بعلت اثرات سوء بعدی و بدی مصرف نائید نمیشود ج - یکی دیگر از اعمال لوتئین آماده کردن پستانهای زن موقع حاملگی برای شیر دادن است که بتدریج در ۹ ماه حاملگی بزرگتر شده و در آن شیر جمع میشود .

" کلیاتی راجع به قاعدگی "

۱- قاعدگی معمولا از ۱۳ تا ۱۵ سالگی شروع و در ۴۰ تا ۵۰ سالگی تمام میشود . در مناطق گرمسیر زودتر شروع و دیرتر ختم میشود و در مناطق سردسیر دیرتر شیوع و زودتر ختم میشود .

در موقع حاملگی بعلت تغییرات هورمونی علاوه بر فولیکولین و لوتئین ، که هر کدام در بدن برای انجام کاری ماموریت دارند ، اختلالات زیادی بقرار زیر در بدن بوجود میآید .

کمردرد - عصبی شدن مزاج - سردرد - تورم پستانها - تغییر هاله دور چشم - تغییر تغییرات فشار خون - گاهی بیبوست - گاهی اسهال - بی اشتها - گاهی نفخ - تهوع حالات ویار - گاهی ایجاد کهیر - گاهی عرق کردن زیاد - گاهی بندرت حالت شوک خونریزی در جاهای دیگر بدن مثل بینی - معده - ششها - دندان - گوش - گاهی مثانه - پستانها - این حالات بعلت تغییرات هورمونی در بدن بوجود میآید

یک بیمار گذاشت .

واز همین جا شاید بتوان به عظمت آیه

زیر پی برد :  
 يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هِيَ اَذَى فَاعْتِزِلُوا  
 النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ  
 راجع به حیض از تو سؤال میکنند بگو که آن بیماری است و از زنان در این موقع کنارگیری کنید ( آنها را راحت بگذارید ) تا اینک پاک شوند .

قاعدگی در ۸۰٪ زنان با دوره ۲۸ روزه یکبار و گاهی ۳۰ روز یکبار و در بعضی ۴۰ روز یکبار است و در هر قاعدگی بطور معمول بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ گرم خون خارج میشود ، با بوی مخصوص ، که عفونت نداشته ، زننده نیست و منعقد نمیشود .

در این دوره رعایت بهداشت بسیار لازم است و از هر نوع معاینات زنانه اجتناب کرده چون در این موقع دهانه رحم باز است ، عروق رحم متسع و احتمال عفونت خیلی زیاد است و با آسانی عفونت منتشر و به قسمتهای بالاتر دستگاه تناسلی هدایت میشود .

بعلاوه معمولا اعمال جراحی را هنگام رگل به تعویق انداخته چون استعداد خونریزی و شوک زیادتر است .

بقیه در صفحه ۵۰



دکتر یوسه

باز میشوند و فوراً در معرض تابش نور شدید قرار میگیرند و این تابش نور طوری است که حتی بستن پلکها نیز قادر نیست جلوی آنرا بگیرد بعد انفجاری از صداهای گوناگون گوش او را میخراشد زیرا همه با خوشحالی برای تولد او فریاد میکشند و بلند بلند سخن میگویند نوزاد حتی ممکنست دستهای خود را بطرف گوش خود بالا ببرد گوئی سعی میکند آنها را در برابر صدا حفظ کند .

"فردریک لوبویه " متخصص زایمان فرانسوی پیشنهاد میکند که در این لحظه بخصوص برای کاهش این وحشت عظیم ، نوزاد بلافاصله در آغوش مادر قرار داده شود تا نوعی تماس مجدد بین آن دو برقرار گردد . در حالیکه برعکس در اغلب بیمارستانها پس از اینکه بند ناف بریده شد نوزاد را بدست پرستار میسپارند و او نوزاد را بطرف میزی میبرد که با تابش نور ملایمی از سرد شدن ناگهانی پوست مرطوب نوزاد جلوگیری کند . در آنجا نوار نامومشخصات نوزاد و والدین به دور مچ او حلقه میشود و اثر پای او را ثبت میکنند سپس نوزاد را در پتویی میپیچند و او را به آغوش مادر بساز میگردانند . در بعضی از بیمارستانها یک ملاقات ۵ تا ۱۰ دقیقه ای بین مادر و نوزاد صورت میگیرد ، ولی در بسیاری بیمارستانها نوزاد را فقط به مادر نشان میدهند و سپس او را به مهد کودک میبرند . در آنجا نوزاد

به نواری از صدای اقیانوس که باربتمهای منظمی بساحل میکوبد گوش فرار داده آید صداهای خارج گنگ و مبهم اند . اطاق تاریک است و تنها نور صورتی رنگ بسیار ملایمی از پشت پردههای کشیده اطاق بداخل نفوذ میکند . ناگهان چراغهای بالای سر تان روشن میشوند ، عدهای فریاد میکشند ، و یک نفر شمارا از روی صندلی تان بلند میکند ، میبینید که تجسم چندان خوشایندی نیست با وجود این برای اکثریت نوزادان انسان ، زندگی بدین سان آغاز میشود .

در طول قرنها ، ما همیشه تصور کرده ایم که جنین انسان قبل از تولد در حالتی بدون دیدن یا شنیدن و در سکوت رشد میکند . این تصور اشتباه است . نوارهایی که از داخل رحم مادران ضبط شده اند نشان میدهند که صدای مداوم جریان خون و ضربان قلب مادر در داخل رحم شنیده میشوند . این صداهای منظم جنین را در برابر اثرات ناراحت کننده صداهای خارج حفظ میکنند و تنها صداهائی که بصورتی غیر عادی بلند باشند در جنین عکس العملی ایجاد میکنند و این عکس العمل معمولا بصورت افزایش ضربان قلب و جنبش جنین در رحم ظاهر میشود .

بگفته متخصصان لحظه تولد یک لحظه " جابجائی فیزیولوژیکی " است که در آن صدای منظم محیط نسبتا تاریک ، و درجه حرارت ثابت همه ناگهان از بین میروند

شسته میشود و پس از وزن شدن علیرغم گریه‌ای که میکند او را تنها به تختخوابی برمیگردانند وقتی نوبت اولین شیردادن فرا میرسد ، نوزاد را برای مدت نیمساعت بنزد مادرش برمیگردانند و سپس او را بمدت ۴ ساعت دیگر از مادر جدا میکنند .

این روش ، مطمئن ، تمیز ، و دارای کارآئی فراوان است ، اما باید دید آیا با نیازهای کودک نیز بدرستی تطبیق میکند خیر ، بعید است که اینطور باشد تغییرات ناگهانی بندرت برای کسی خوشایند است . مثلا دراینمورد نوزاد هنوز بحد کافی برای مقابله با سرما تجهیز نشده است . چنانچه خصوصیت بدنی از جمله نازک بودن لایه چربی زیر پوست باعث میشوند که حرارت بدن نوزاد چهار برابر سریع تر از یک فرد بزرگسال کاهش یابد علیرغم چنانچه خصوصیتی ، درجه حرارت اطاقهای زایمان معمولا بین ۷ تا ۲۲ درجه سانتیگراد پائینتر از درجه حرارت داخل رحم است این درجه حرارت برای مادر و کارکنان بیمارستان راحت و قابل تحمل است ولی برای نوزاد خیر . درست پس از یک زایمان عادی بدون استفاده از داروها ، نوزاد کاملا هشیار است (حتی هشیارتر از آنکه کمی بعد از آن خواهد بود ) شواهد نشان میدهند که نوزاد به چهره‌های متحرک و به صداهاى نزدیک گوش خود پاسخ میدهد . اگر گوشه دهانش را لمس کنیم بصورت بازتابی ، صورت خود را به آن

جهت برمیگرداند و شروع به مکیدن میکند . اگر کف دست او بویژه ناحیه بین شست و انگشت سیباهش را نوازش کنیم ، هرچه را که دستش را لمس کرده است میگیرد . حواس و بازتابهای نوزاد او را بصورت انسانی پاسخ دهنده نشان میدهد که نیاز به تماس انسانی دارد و نیازی که او دارد درست در همانجا پهلوی او است : مادرش . مادر ضربان قلبی دارد که نوزاد بآن عادت دارد ، چشمانی دارد که او میتواند بآنها خیره شود ، بدن گرمی دارد که او لمس کند و سینه‌ای که او میتواند بمکد . باوجوداین معمولا در بیمارستانها ، نوزاد را از مادر دور میکنند و در جعبه‌ای پلاستیکی قرار میدهند تا برطبق خط مشی بیمارستان زمان غذا خوردن او قرا برسد .



روانشناسان از سالها پیش میدانستند که نخستین سال زندگی نوزاد میتواند تأثیری عمیق و طولانی بر رشد جسمی و فکری او در آینده داشته باشد . اکنون روشن شده است که نخستین روز زندگی نوزاد ( شاید هم نخستین ساعت زندگی او ) نیز بهمان اندازه حیاتی و مهم است . پیوند عاطفی که مادر پس از زایمان با فرزند خود پیدا میکند و نوع مواظبتی که از وی بعمل میآورد دارای اهمیت زیادی است مطالعات و تحقیقات اخیر همچنین نشان میدهند که نخستین ساعات

دادن بگرایش مادر نسبت به فرزندش، عمق  
علاقه‌اش به او، و ظرفیت او برای مادربودن  
دارند.

متخصص دیگری در مطالعات خود دراطاق  
زایمان متوجه شده است که مادران علاقه  
شدیدی به چشمهای فرزند خود نشان میدهند  
وقتی نوزادان را به مادران میسپارند، دیده  
شده است که آنان تقریباً سه چهارم از وقت  
را صرف نگاه کردن به چشمهای نوزادان  
میکنند. این مادران اظهار داشته‌اند که وقتی  
نوزاد به چشم آنها نگاه کرده است، آنان  
خود را شدیداً به نوزاد نزدیک احساس  
کرده‌اند. شگفتی اینجاست که فاصله‌ای که  
نوزادان در آن بهترین دید را دارند بین  
۲۲ تا ۳۰ سانتیمتر یعنی درست فاصله‌ای  
است که بین چشم نوزاد و چشم مادر در  
هنگام شیر دادن از پستان وجود دارد.  
گروهی از متخصصان چندین عامل دیگر را  
نیز که باعث پیوند نزدیک بین مادر و نوزاد  
میشود کشف کرده‌اند و بی برده‌اند که این  
عوامل در همان ساعات اولیه پس از تولد  
اهمیت زیادی دارند. یکی از این عوامل  
صدای زنان است بنظر میرسد که نوزادان به  
صدای زنان که فرکانس بالاتری دارد بهتر از  
صدای مردان پاسخ میدهند و در حقیقت  
اینطور بنظر می‌آید که نوزاد با صدای مادرش  
حرکات هماهنگی نشان میدهد. همچنین  
مشخص شده است که برخی از تعامل‌های بین

مادر و نوزاد از طریق حساسی‌تار تماسی در جریان خون  
در پستان مادر و در نتیجه تحریک غدد  
شیرزا میشود که حاصل آن افزایش شیر است  
تماس نوزاد با پستان مادر نیز باعث آزاد  
شدن هورمونی میشود که کار آن تسریع در  
انقباض‌های داخل رحم بعد از زایمان و در  
نتیجه کاهش خونریزی است.



مطالعات اخیر نشان داده است که در  
چندین ساعت اولیه پس از زایمان یکدوره  
حساس وجود دارد. مثلاً دریک آزمایش  
گروهی شامل ۱۴ مادر که برای اولین بار مادر  
شده بودند در دو ساعت اول پس از زایمان  
مدت یکساعت نوزاد آنان را لخت و بزرهنه به  
آغوش آنان دادند. این عمل بمدت ۵  
ساعت در روز درسه روز اول پس از زایمان  
تکرار شد. مادران گروه دیگر که تعداد آنان  
هم ۱۴ نفر بود همان مراحل معمول  
بیمارستانی را گذراندند. یعنی یک نگاه  
کوتاه بعد از تولد و بعد نیمساعت تماس برای  
شیر دادن هر چهار ساعت یکبار. مادران  
هر دو گروه یکماه بعد از زایمان ببیمارستان  
برگشتند و با آنان مصاحبه بعمل آمد.

گزارش مادرانی که تماس فوری و مداومی با  
نوزادان خود داشتند نشان داد که تمایل





زیادی بانوزادان خود داشتند درصد بیشتری از وقت خود را صرف آرام کردن کودک خود ( که در هنگام معاینات پزشکی گریه میکردند ) نمودند . مهمتر از این در سن پنج سالگی کودکان این دسته از مادران ( یعنی مادران دارای تماس زیاد بانوزاد ) بهره هوشی بالاتری داشتند و نمرات بهتری در تست‌های مربوط به زبان بدست آورده بودند تا کودکان مادرانی که با نوزاد خود تماس بدنی کمتری برقرار کرده بودند .

نتایج مشابهی در مورد دوره حساس مادری در سوئد و گواتمالا نیز پیدا شده است گروه‌هایی از مادران درست پس از زایمان بمدت ۳۰ دقیقه تا ۴۵ دقیقه تماس پوست به

آنان به واگذار کردن نوزادشان بدیگران به مراتب کمتر از مادرانی است که چنین تماس فوری و مداومی با نوزادان خود نداشته‌اند . هنگام شیردادن نیز مادران گروه اول فرزندان خود را طوری در آغوش گرفته بودند که تماس چشم بچشم آنان با نوزاد بر مراتب بیش از مادران گروه دوم بود .

مطالعات بعدی نشان داد که این تفاوتها بین دوگروه ذکر شده تا چند سال بعد از تولد نوزاد نیز ادامه مییابد . وقتی که نوزادان یکساله شدند ، مادرانی که تماس

می‌توانستند با فرزندشان در یک اطاق بیمارستان باشند . گروه دوم طبق روش مرسوم بیمارستانها تنها در هنگام شیردادن می‌توانستند با نوزاد خود باشند . در حال حاضر این بچه‌ها در سنین بین یک و دو سالگی هستند و آنهایی که مدت زیادی در طول روز در بیمارستان با مادرشان بوده‌اند بر مراتب از بچه‌های دیگر بهترند . موارد بسیار کمتری از طرد ، فراموشی ، نادیده گرفتن ، اذیت و آزار و عدم مراقبت نسبت باین بچه‌ها دیده شده است تا بچه‌هایی که مادران آنها در بیمارستان تماس کمی با آنها داشتند .

اکنون ببینیم وضع برای کودکان نارس بچه‌ صورتی است . این بچه‌ها چون نیاز بمراقبت‌های پزشکی و معالجه دارند ، بلافاصله پس از تولد آنان را از مادرشان دور میکنند . چندان از محققان بقیه در صفحه ۴۶

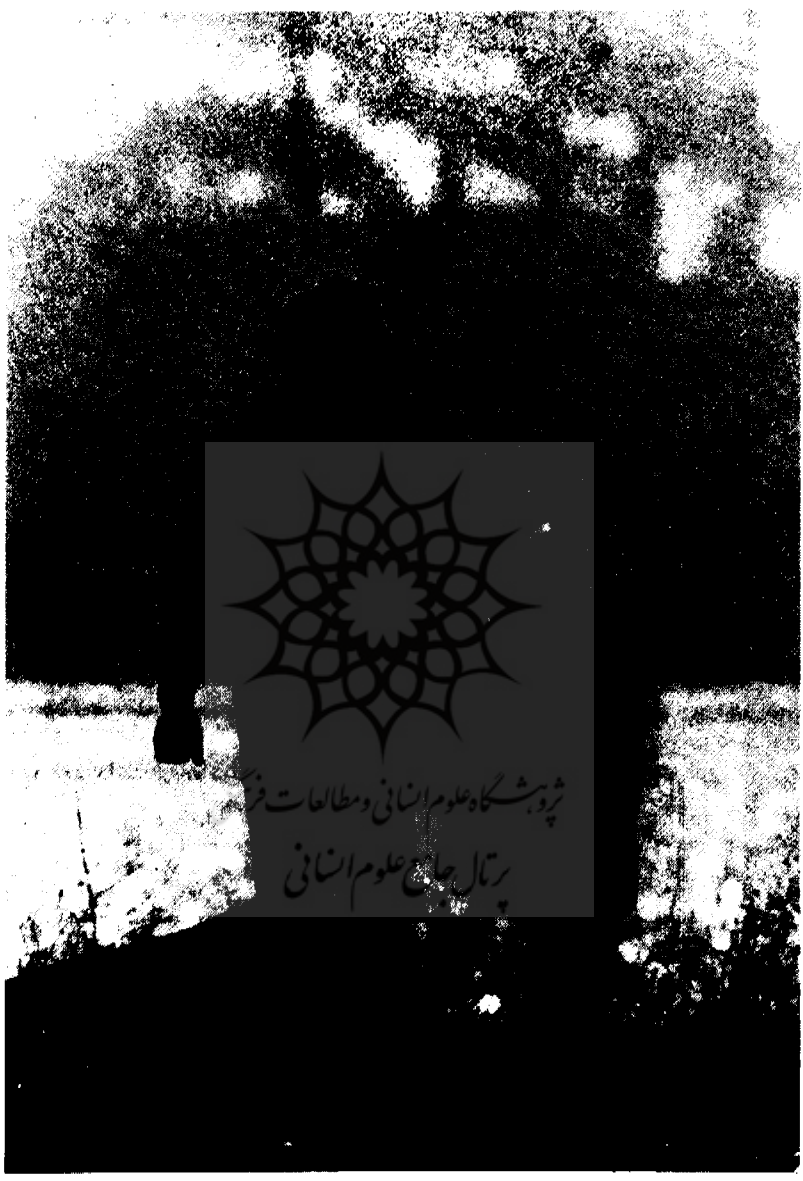


گروه‌های کنترل چنین تماسی را نداشتند . در طول سال اول تولد ، تفاوت‌های آشکاری بین فرزندان دوگروه پیدا شد . در هر دو تحقیق مادران دارای تماس بیشتر فرزندان خود را بمدت طولانی‌تری شیر میدادند . فرزندان این مادران افزایش وزن سریعتری داشتند ، کمتر گریه میکردند و بیش از فرزندان مادران کم تماس لبخند میزدند و میخندیدند .

بمنظور مشخص کردن حدود " دوره حساس " عده‌ای از محققان در تحقیق خود از یک گروه از مادران خواستند که درست پس از تولد نوزاد خود بمدت ۴۵ دقیقه با او تماس پوست به پوست داشته باشند بگروه دیگر این اجازه ۱۲ ساعت بعد از تولد فرزندشان داده شد . وقتی که نوزادان سه روزه شدند محققان متوجه شدند مادرانی که بلافاصله بعد از تولد فرزندانشان با آنها تماس مستقیم داشتند نزدیکی بیشتری نسبت بفرزندان خود در مقایسه با گروه دوم داشتند . مادران با تماس مستقیم ، صورت بصورت فرزندان خود گذاشته بودند ، با آنان حرف میزدند ، آنها را نوازش میکردند و میبوسیدند و بر مراتب بیش از مادران گروه دوم بفرزندان خود لبخند میزدند . باین ترتیب به نظر می‌آید که دوره حساس تنها تا چند ساعت پس از تولد طول میکشد .

محقق دیگری در تحقیق خود نشان داد که تماس اولیه بسیاری از مشکلات بعدی والدین را در رابطه با فرزندان کاهش میدهد . وی ۳۰۰ مادر را به دو

# سب امجان ورمار اولیاء ع. میرزابیگی



شوروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



میانداخت ، میخواست از قضاوت وعکس العمل آنان نسبت باین برخورد آگاه شود ، سپس با ناراحتی و شرمساری سرخود را بیائین میانداخت و ظاهرا دوباره مشغول مطالعه میشد .

این صحنه چند بار تکرار شد و هربار خشم مادر ، شدت اهانت او بمریم و در نتیجه ناراحتی کودک افزایش مییافت . تا اینکه پس از مدتی ، هنگامیکه مریم مشغول مطالعه بود و درس را برای خود تعریف میکرد یکی از حضارنکنه جالبی را عنوان کرد . به دنبال آن همگی با صدای بلند شروع کردیم بخندیدن ، دراین هنگام مریم باردیگر سر خود را از روی کتاب بلند کرد اوهم ابتدا به پیروی از دیگران کمی خندید سپس رو بجمع کرد وگفت : چی شده ؟!

پس از آن یکباره بیاد مادر افتاد و نگاهش متوجه او شد .

مادر که از دست مریم خیلی عصبانی شده بود گفت : مگر تو فضولی ، بتو چه ربطی دارد ؟! صد دفعه بتو گفتم حواست بکار خودت باشد . بچه تنبل بی تربیت . . .!

بعد باعصبانیت از جای خود برخاست . دست دخترک را گرفت وگفت : حالا که نمیخواهی درس بخوانی ، برو اطاق دیگر که از جلوی چشم من دور باشی . برو آنجا هر غلطی که میخواهی بکن ، رفوزه هم که شدی به درک ! .

شب زمستان بود منزل یکی از خویشاوندان مبهمان بودیم ، در میان اطاق یک بخاری روشن بود و ما دسته جمعی دور آن نشستیم بودیم و در مورد مسائل مختلف صحبت میکردیم .

گاهگاهی ، طبق معمول چند کودک که در اطاق مجاور مشغول بازی بودند باطاقی که ما نشسته بودیم میدویدند و با فریاد کودکانه و سروصدای خود ، مجلس بزرگترها را بهم میزدند چند تا از بچهها متعلق به صاحبخانه بودند ، بدینجهت هربار که با سرو صدا وارد اطاق میشدند ، خانم صاحبخانه بجمه های دیگر را با ملایمت وادار به آرامش میکرد ولی بچههای خود را با تشر و تهدید .

گوشه ای از اطاق ، دختر بچههای هشت ساله که اوهم دختر صاحبخانه بود کتابی جلوی خود گذاشته و درسهایش را مطالعه میکرد . هربار که بچهها داخل اطاق میدویدند او ابتدا کمی به آنها نگاه میکرد و میخندید ولی ناگهان با اعتراض مادرش مواجه میشد که برای لحظه ای با خشونت و ترشروئی به او چشم میدوخت و سپس با لحنی خشمگین میگفت : مریم ، خجالت بکش فردا امتحان داری اگر تو امسال رفوزه نشدی ! . . .

باشنیدن این کلمات ، مریم با چهره ای معصوم و کودکانه ونگاهی توام با خجالت و

و صرفاً خواستار تحمیل غیرمنطقی و افراطی نظر خود بر فرزندان‌شان هستند .  
اینگونه رفتارها ، اگرچه با حسن نیت همراه باشد چون مبتنی بر روش نادرست و مخرب وبدون در نظر گرفتن شرایط لازم است همواره تاثیرات سوئی بر کودکان ونوجوانان داشته وتکرار آن منجر به نابسامانیهای روحی وناهنجاریهایی در رفتار آنان میگردد .

#### اثرات منفی اینگونه بزخوردها :

تاثیرات سوء این قبیل بزخوردها را مینوان از دوجنبه مورد بررسی قرارداد :

اولی : تاثیر سوء آن در روحیه ، رفتار و زندگی کودک .

دوم : اثرات سوء این رفتارها بر خود اولیا و دیگر اعضای خانواده .

در توضیح قسمت اول باید توجه داشت که سختگیریهای بی رویه وبیش از حد اولیاء در مورد لزوم مطالعه کودک بخصوص اگر بشرایط لازم جهت مطالعه توجه شود وموجب تحقیر کودک در حضور دیگران نیز بگردد ، در صورت علاوه بر تضعیف روحیه کودک ، ایجاد احساس حقارت در وی ، از میان بردن شور ونشاط کودکانه وجایگزینی افسردگی در او که منجر به نابسامانیهای روحی وی خواهد شد ، اینگونه بزخوردها

باین ترتیب مریم باطاق مجاور فرستاده شد . پس از مدتی مادر مریم در حالیکه کتاب دخترش را به او میداد گفت : فکر نکنی اینجا میتوانی بازی کنی ، باید تا وقتی برای شام خوردن صدايت نکردم ، همینجا بنشینی ودرس بخوانی ، فهمیدی؟!  
مریم باعتراض گفت : این اطاق سرد است من نمیتوانم اینجا بنشینم ...  
ولی مادر بی توجه به گفته کودک ، جواب داد : من این حرفها سرم نمیشود ، توروز بروز تنبل تر ولجبارتر میشوی . دختر تنبل ولجبار بدرد من نمیخورد ...

چنانکه میدانیم چنین طرز برخورد وشيوه رفتاری منحصر باین مادر نیست . بلکه مئاسفانه در اکثر خانوادهها به صورتهای مختلف تکرار میشود ، حتی چند بار شاهد آن بوده‌ام که ، در صحنه‌های مشابه فوق ، با اصرار زیاد وشدت عمل از کودک خواسته میشود که درس بخواند و برای روز بعد کسه امتحان دارد آماده شود ، این برنامه از ابتدای ورود کودک بخانه آغاز میشود و بدون کوچکترین مجالی برای استراحت او ، تا آخر شب ادامه مینماید ، حتی کودگانی هستند درس خود را هم بخوبی میدانند ولی هنگامیکه میگویند : من این درس را خوب بلدم ، احتیاجی باینکه بیشتر بخوانم نیست ، اکثر مواقع اولیاء بدون آزمودن کودک فقط با خنده وتمسخر به سرزنش او پرداخته ، اعتراضش را نادیده میگیرند

اتانکه بدون داشتن آگاهی و بردباری کافی با روشهای غیر اصولی سعی بر وادار ساختن کودکان خود به مطالعه دارند ، خود نیز با توجه به نابسامانیهای روحی و ناراحتیهای حاصل از " جنگ اعصاب " و خودخوری ، دائما دچار تشویش ، افسردگی و بدبینی میباشند . که عشق و علاقه آنان نسبت به فرزندان خویش ، بتدریج منجر به نوعی احساس تنفر و کینه نسبت به کودکان معصوم خود گشته و چنانچه بارها از زبان اینگونه اولیاء شنیده‌ایم ، کودک را " قاتل جان خود ! " یا " موجوداتی مودی و شرور " مینامند . مجموعه این تلقی‌ها از کودک و انعکاس سختگیریهای بی مورد و اثرات سوء

سختگیران در کودک ایجاد یاس ، بدبینی و تنفر نسبت بدرس و کلیه عوامل مرتبط با آن از قبیل مدرسه ، معلمین ، اولیاء و ... را مینماید . این رفتار تا اندازه ای مخرب و زیانبار است که حتی در کودکانیکه درسشان خوب است ، و علاقمند بدرس و مطالعه میباشند بتدریج ایجاد بی میلی و گریز از درس مینماید . نکته مهم تر اینکه " روش تلقینی " مبتنی بر مشکل جلوه دادن درس و اشاره پیاپی به مردودی کودک موجب وحشت بی اساس از درس میگردد که این امر تاثیر بسزائی در عدم موفقیت او دارد . مجموعه این سختگیریها و تحقیرها ، کودک را دچار نابسامانیهای فکری و عاطفی مینماید



آن برخورد فرد موجب خواهد شد که افسردگی اینگونه اولیاء خصوصا مادران ، روز بروز بیشتر شود و گاه نسبت به خانواده زندگی خود احساس بیزاری نمایند . حتی برخی از مواقع اینگونه افراد دستخوش

که گاه تا پایان عمر از عوارض آن رنج خواهد برد و حتی موجب انحرافات اخلاقی طغیان سرکشی آتی او بر اولیاء ، گریز از محیط خانواده ، پناه بردن به محیطهای آلوده و مبادرت با اعمال ویرانگر میشود . در قسمت دوم : اولیاء سختگیر و عیبجو و

اجتماعی و خانوادگی از ، بردباری و شکیبائی لازم برخوردار نمیشاند در نتیجه چه بسا در انجام این مسئولیت خطیر دچار اشتباهات و بدرفتاریهایی گردند که نه تنها سازنده نیست بلکه مخرب و زیانبار میباشد .

گاه اولیائی که خستگی و فشار زندگی روح آنان را آزرده ساخته دچار آنچنان زودرنجی و پرتوقمی میگرددند که بصورت آگاهانه و نا خودآگاه از بهانهگیری و آزردن دیگران احساس نوعی آرامش و رضایت مینمایند ، در اینصورت بدیهی است که اولین قربانی این مشکلات ، فرزندان آنها خواهند بود . .

بنابراین لازم است که پدران و مادران آگاه و متعهد در وهله اول سعی بر کنترل رفتار خویش و برخورداری از منانت و شکیبائی نموده و قبل از اقدام به هرگونه عملی ، تا حد امکان از انگیزه‌های رفتار خود آگاهی کافی داشته باشند .

از آنچه گفته شد میتوان بنتایج زیر دست یافت :

الف - در برخورد با کودک باید از هرگونه سختگیری و توقع غیرمنطقی دوری جست .

ب - مسئولیت اولیاء نسبت بسرنوشت فرزندان خویش و وضع تحصیلی آنان بدین معنی نیست که با روشهایی شتابزده و نامعقول به تخریب روحیه و شخصیت کودک بپردازند . بلکه چنانچه گفته شد آموزش صحیح کودک و ترغیب وی به فراگیری دروس خود مستلزم داشتن روش مناسب توأم با منانت ، آرامش

تضادهای عاطفی میگردند یعنی از یک سو به اعمال روشهای خشونت آمیز و تنبیه فرزند خود پرداخته و از سوی دیگر نسبت بوی احساس ترحم و محبت نموده و از رفتار خشونت آمیز خود پشیمان میشوند ، که این نیز در ایجاد تشویش ، نگرانی و سرگردانی بیشتر آنان موثر بوده و این حالت حاکی از عدم تعادل روانی آنها میباشد . این نا- بسامانیها طبیعتا در سرنوشت دیگر افراد خانواده موثر بوده و اثرات سوئش متوجه آنان نیز خواهد شد .

#### علل اینگونه اعمال و سختگیریهای بیمورد :

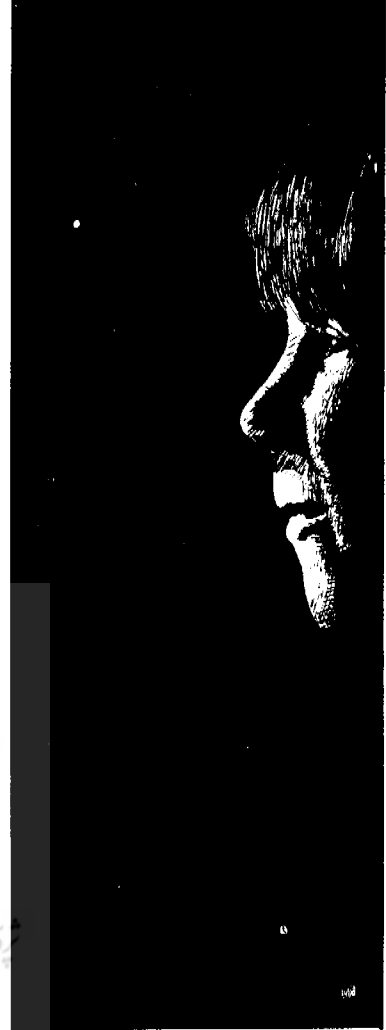
در پیگیری علل اصلی اینگونه اعمال که از جانب برخی از اولیاء صورت میگیرد عوامل مختلف و متعددی را میتوان موثر دانست . بی شک یکی از آن عوامل ، احساس مسئولیت اولیاء نسبت به سرنوشت فرزندان خویش میباشد . ولی از آنجا که این احساس با درک و آگاهی مناسب از کودک ، نیازمندیها ، علاقمندیها ، حساسیتها و توقعات وی همراه نبوده و از طرفی اولیاء در انجام این مسئولیت ، با شیوه‌های مناسب آموزشی و تربیتی آشنائی کافی ندارند . مهمتر اینکه بر اثر عوامل مختلف و مشکلات متعددی

قابل استفاده برای آنان می باشد . بدین معنی که چون مطالعه هنگامی میسر است که فرد در وهله اول از آرامش لازم و تمرکز فکری برخوردار باشد بنابراین در محیطهای شلوغ پرسروصدا و محیطهایی که فکر کودک را از مطالعه باز میدارد و با مشکلاتی از قبیل سرما و گرمای بیش از حد تحمل در آن وجود دارد نباید از کودک توقع مطالعه داشت .

د- اولیائی که برآستی علاقمند پیشرفت فرزندان خود در امر تحصیل میباشند لازم است باین نکته توجه داشته باشند که موثرترین محیط در امر تحصیل و آموزش کودکان همان مدرسه است . بنابراین جهت پیشرفت کودک در این زمینه ، ابتدا باید از محیط مدرسه شروع کرد . یعنی با کسب اطلاع در مورد کیفیت اجتماعی و آموزشی آن ، همکاری و هماهنگی صمیمانه و پیوسته با مسئولین ، معلمین و مربیان مدارس ، رفع نواقص و مشکلات محیطهای آموزشی و بالا بردن کیفیت آن ، به اقدامی سازنده و اساسی همت گماشت .

ه- از آنجاکه هر عملی مستلزم داشتن انگیزه و رغبت می باشد و انجام هر عمل هنگامی بهتر و کاملتر صورت میگیرد که انسان با میل و رغبت و اشتیاق بیشتر بآن همت ورزد . لذا باید سعی برآن داشت که با شناخت صحیح کودک ، توجه به علاقمندیها ، استعدادها و

بقیه در صفحه ۵۷



و دوراندیشی است و روشی است که باید از آغاز سال تحصیلی و آغاز ورود کودک به دبستان بدرستی اعمال شود . نه بصورتی شناورده و با شدتی نامناسب در شب امتحانات !

ج- کمک بکودکان در امر تحصیل مستلزم



اگر فرد عصبی و تندخوئی هستید ممکن است گاهی از اوقات قبل از آنکه فکر کنید و بسنجید سرکودک داد بزنید . ولی اگسر آرامتر و ملایمتر باشید خواهید دید آسانتر آنست که با طفل بملایمت بحث و گفتگو کنید اگر اصولا آدم کاملا آرامی باشید و کارها را آسان بگیرید خواهید توانست بدون آنکه رنجشی ایجاد شود از بسیاری از اشتباهات کودک صرفنظر نمائید .

باید بدانید که در هریک از این خصوصیات اخلاقی که ذکر کردیم نکات خوب و بد هر دو وجود دارد ولی مهمتر از همه آنست که عکس العمل شما متناسب با خلق و خوی خاص خودتان باشد . اگر واقعا از پله اول شروع کنید شمام که پدر یا مادر کودک هستید خواهید توانست مانند خود او رشد و نمو داشته باشید ولو آنکه نیروی این رشد و نمو در طفل زیادت و قویتر باشد . طبیعت بشما این فرصت را داده است که از طریق کودکان بازم برشد خود ادامـــــه دهید و جای تاسف است که بعضی از والدین از این موقعیت استفاده نمی کنند . درست است که عکس العمل پدر یا مادر فقط در چهار چوب خصوصیات اخلاقی او خواهد بود ولی این راهم باید والدین درک نمایند که نیروهای نهفته در وجود آنها از راه تکامل و رشد و نمو تقویت خواهند شد . همانطور که عکس العمل والدین در برابر رفتار کودک متفاوت است عکس العمل طفل

بدست می آید خواهند شد و خواهند دید که بعد از این کتک زدن ها خود آنها ناراحت تر از طفل هستند .

اگر کار باینجا برسد که احتیاج بکتک زدن کودک پیدا کنید همین امر دلیل براشتباه و شکست شما است و باید سعی کنید که اطلاعات بیشتری درباره راهیکه در پیش دارید کسب نمائید و بعلائم و نشانه های این راه بیشتر توجه کنید . اگر لازم است طفل را کتک بزنید باید بطور کامل تشخیص بدهید چکار میکنید و در اینجا است که پیشگیری بسیار مفید خواهد بود .

انضباط باید متناسب با سرشت شما و کودک هر دو باشد .

روشهایی که برای ایجاد انضباط در کودک بکار میبرید برای آنکه موثر واقع شوند باید نه تنها با سرشت شما بلکه با سرشت خود طفل نیز سازش و تناسب داشته باشند .

مثلا اگر اصولا شما از آندسته مادرانی هستید که در یک لحظه طفل را میبوسند و چند لحظه بعد ممکن است باز سیلی بزنند هر قدر هم که خود را کنترل کنید و بتوانید گاهی از اوقات منطقی تر رفتار نمائید معهذ رفتارتان با کودک و مشکلات او احساساتی تر خواهد بود تا مادر دیگری که عاقلانه تر از شما رفتار میکند .

آسانتر میگردد . ولی اگر بقوانین و اصول رشد ونمو او توجه داشته باشید با اطمینان فراوان احساس خواهید کرد که طفل پیوسته تحت کنترل است و شما احتیاج زیادی نخواهید داشت که مرتباً با او امر ونهی کنید . دستورات انضباطی را که پدر و مادر ابتدا بطفل تحمیل میکنند بالاخره کودک خودش وقتی بزرگتر شود تحمل خواهد کرد و ایمن همان منظور و مقصود اصلی از انضباط است ، یعنی آنکه طفل بالاخره بتواند خودش را کنترل کند .



ووظیفه خود شما است که معلوم کنید بچه طرز باید با طفل خود رفتار ننمائید . برای بعضی از کودکان لازم است که در برابر دستوراتی که میدهید یک توضیح مفصل و طولانی هم در خصوص علت آن دستورها بدهید ولی در برابر برخی دیگر باید با بیان جدی و محکمی نشان دهید که عدم اطاعت کودک از دستورات شما منجر بحاروم شدن او از بعضی امتیازات خواهد شد . اما عده‌ای از کودکان که امیدواریم تعداد آنها نسبتاً کم باشد آنقدر والدین خود را از جاده اصلی منحرف میسازند که بالاخره کارشان منتهی به بن بست و کتک زدن میرسد کار پدر و مادر نیز برخورد با این سه نوع عکس‌العمل کودک است و برای جلوگیری از نوع سوم که منجر به تنبیه بدنی میشود غالب اوقات کوشش فراوان و تفاهم عمیقی لازم است . کودک نیز برای وصول باین هدف احتیاج به محیطی دارد که تحسنت سرپرستی لازم بتواند فشارهای درونی خود را تخلیه نماید و درعین حال احساس کنسند که یک نیروی قوی دائما او را کنترل مینماید . این وظیفه شما یعنی والدین کودک است که ببیند چه روشی برای فرزندتان بهترین اثر را دارد . ممکن است مشاهده کنید که فرزند شما در سنین مختلف در برابر دستورات انضباطی که با او میدهید تقریباً بگونه عکس‌العمل نشان میدهد و یا بالعکس ببینید که هر

مدرسه  
یک نهاد اجتماعی  
است

زنده پویا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال مجازی علوم انسانی

# قسمت دوم

بخش ۲ -

محیط آموزش از ریا ، دروغ ، چالپوسی و ظاهر سازی و فریبکاری بهر عنوان خالی شود و بجای آن ، صفا ، صمیمیت و همکاری متقابل جایگزین گردد .

در چنین مدرسه‌ای رابطه‌ها محیط اجتماعی از طریق اولیاء و از طریق اهالی محل تنظیم شده و مداوم است مسائل و نیازها و همچنین تغییر و تحول اجتماعی در مدرسه بازتاب سازنده پیدا میکند .

بگذارید باز توضیح دهم . همانقدر که آموزش از کتاب درسی مطرح است . همانقدر هم آموزش از محیط اجتماعی مطرح است . مدیر و معلم از هر جلسه کار و تبادل نظر با اولیاء دانش‌آموزان ، از هر برخورد انفرادی با والدین ، از هر مشکل و مسئله ، از هر تغییر اجتماعی نکات سازنده بدست می‌آورند هر سؤال دانش‌آموز هدایت کننده میشود . نیروهای اصلی پیشبرد کار و مدرسه که همان دانش‌آموزان و اولیاء آنان هستند در ساختن زندگی درونی مدرسه و سازمان و تجهیزات آن و همچنین در جهت تاثیر مطلوب بر محیط اجتماعی فعالانه بکار گرفته میشوند . اگر دیوار سرد مدرسه بسته فرو ریزد ، مردم هر دهکده ، هر محله و هر شهر در فرصت اندک مدارس را مجهز و بهترین امکانات را در

اختیار مدرسه‌های بجه‌های خود می‌گذارند . در اینجا ذکر این نکته لازم است که رابطه با محیط اجتماعی در سطوح مختلف تحصیلی متفاوت است . در مرحله دبستان بیشتر عوامل سازنده و مثبت از محیط اجتماعی به داخل مدرسه راه می‌یابند ، چون کودکان این سن در تشخیص خوب و بد ، مطلوب و نا - مطلوب ، تجربه زیاد ندارند . در دوره راهنمایی عوامل سازنده و مثبت همراه با پاره ای نکات منفی و قابل انتقاد و تغییر به مدرسه راه می‌یابند و مورد بحث قرار می‌گیرند و ضمن نقد جوانب تخریبی بعضی عوامل محیطی شناسانده میشوند . در دبیرستان که دانش‌آموز از استقلال رای و رشد عقلانی و اجتماعی بیشتر برخوردار است تقریباً همه گونه مسائلی وارد محیط مدرسه میشود و در این هنگام مدرسه باید توان روش برخورد با این مسائل را در خود ایجاد کرده باشد . در واقع دیوارهای نامرعی و مرئی مدرسه حکم یک صافی را دارند که بتدریج سوراخهای آن بزرگتر و بزرگتر میشود تا بکلی برداشته شود - در چنین مدرسه‌ای در و دیوار ، درخت و گل و گیاه ، کارمند و مستخدم و معلم و مدیر و شاگرد و خانواده‌ها همه در کار تربیت و تعلیم سهیم هستند . درجات مطرح نیست . حدود مطرح نیست . هرج و مرج هم نیست بلکه این تشریک‌مساعی همه‌جانبه نظام دارد نظم خاص ولی مداوم و در حال تغییر

محتوائی بر محیط مدرسه حکمفرماست . در و دیوار باکارهای دانش‌آموزان بیرو خالی میشود . از درخت و گل و گیاه همسان با دانش‌آموزان مراقبت میشود . همه در محیطی که هدف یعنی شکوفایی شدن و سازندگی انسان برایشان مطرح است بکار مشغولند .

بامختصر شناسائی که از اختلاف بین مدرسه بسته و ایستا و مدرسه در حال تحول و پویا بدست آوریم ، سؤال مهم ما این است که چگونه میتوان مدارس موجود را تبدیل به مدارس زنده و پویا کرد و سیستم را برگرداند ؟



در رژیم گذشته سعی بسیار کردند تا ظواهر مدارس را عوض کنند . خیلی کوشش شد برنامه و روش تغییر کند . ولی در قبال آنهمه تلاش میزان تغییر کم بود . دلیلش آلودگی محیط بدروغ ، ربا ، چاپلوسی ، منافع شخصی و مقامخواهی ، ظاهرسازی و عدم کفایت و قابلیت بود . در دوکلمه محیط پاک نبود . منظور از پاک بودن محیط و بخصوص محیط تربیتی که در آن شرط اصلی پاک است . عمل تصفیه و تزکیه مدام درونی است که باید انجام گیرد تا صداقت و صفا ، محبت واقعی و صمیمیت ، کار اصیل و صحیح جایگزین آلودگیهای محیطی شود .

ما بیش از سی و پنجاه هزار واحد مدرسه داریم ، برای تبدیل این مدارس بمدارس زنده و پویا نمیتوان بانظار ، دانش‌آموزان دیگر ، معلمان دیگر ، مدیران دیگر ، و مسئولان دیگر نشست . باید تحول را با مصالح موجود شروع کرد . تجربه سالهای کار بمن نشان داده است که این امکان پذیر است و برای این عمل یک شرط ابتدائی وسه شیوه کار را میتوان مطرح کرد .

شرط ابتدائی این است که نظام اداری آموزش و پرورش واژگون عمل کند . یعنی اگر کل نظام را مخروطی تصور کنیم که در راس آن وزیر و در قاعده آن ملیونها دانش‌آموز قرار گرفته‌اند وزیر در خدمت معاونان ، معاونان در خدمت مدیران کل ، مدیران کل در خدمت رؤساء ، رؤساء در خدمت مدیران

در خدمت شاگردان باشند و هر یک در جهت کل هدفهای تعلیم و تربیت سعی بر این داشته باشد که امکانات ، شرایط و شیوه‌های مطلوب را در خدمت گروه اصلی که دانش‌آموزان باشند قرار دهد . در تمام طول سالهای کار در رژیم گذشته همه در خدمت راس مخروط بودند و تاوضع چنین است تحول بسیار دشوار و کم اثر خواهد بود .

و اما سه شیوه کار :

شیوه اول : کار مداوم تزکیه همه و در همه جا در داخل کلاس ، در فضای مدرسه ، در روابط بین افراد ، در فضای خارج از مدرسه و در خانواده‌ها . انسان مسیر بسیار دشواری را در جهت رسیدن به تقوای واقعی طی میکند بنابراین نمیتوان از انسان ایده‌آل و آرمانی به معنای مطلق کلمه حرف زد ، بلکه همه در حال شدن ، در حال تکامل هستند . پادیده‌ها و سرعت‌های مختلف . معلم بیکانسان است و در جمع بچه‌ها خود را تزکیه میکند و همزمان بچه‌ها را در جهت کمال انسانی مطلوب پیش میبرد . این معلم باید بتواند خود را در آئینه چشم بچه‌ها ببیند . نسبت بآنچه در چشمان بی‌آلایش و صادق آنها میگذرد و مکنونات باطنی آنها را برملا می-

بقیه در صفحه ۴۴




مربیان مدارس و خارج شدن آنها از تشریفات اداری نیز زیاد بوده و کم کم این فکر را در اقشار مردم ایران بوجود آورده هرگاه مدرسه از آنها دعوت کرد که بیاری آنها بشناسید باجان و دل پذیرا شدند و در خدمت آموزش و پرورش که در نهایت دانش آموزان شتافتند ، الحق والانصاف اولیاء و مربیان در سال گذشته در آرایش مدارس سهم بسزائی داشته و محیط آموزشی را برای آموزش و پرورش آماده سازی کرده اند .

ماناگزیریم اعتراف کنیم جنگ تحمیلی عراق دست نشاندۀ آمریکا در عقب افتادن برنامه های مفصل ما تاثیر مهم و بسزائی داشت خاموشیها ، آژیر خطر باعث عدم تشکیل بسیاری از جلسات ما در مدارس شد ولی از آنجا که ریشه ما در قلب و روح مردم است هیچگاه تعطیل نشد و بحمداله تا حدود زیادی هم موفق بودیم .

در همین قضیه کمک به جنگ زدگان و کمک و یاری شما پدران و مادران و دانش آموزان و انجمن های اولیاء و مربیان مدارس در حدود امکانات خود در این مهم پیش قدم بود و چون این امر خدائی و در راه خدا و دین بود از بازگو کردنش خودداری میکنیم .  
و اما خود مجله پیوند :

یکسال دیگر هم بر عمر پیوند و تجربه ما افزوده گشت و حاصل این یکسال را اگر بخواهیم بر کاغذ نقش بکنیم و در برابر

مردمک چشم شما خواننده عزیز قرار دهیم شاید در چند جمله بیان نشود و هیچگاه آنچه را که ما کرده ایم و میخواهیم انجام دهیم بیان نکنند پیدا کردن جمعی نویسنده متعهد آنهم در خط تعلیم و تربیت و دگرگونی محتوای مجله و برگردان آن در خط اسلام کاری بود که تلاش ما بر آن بود .  
باستناد نامه های شما و اظهار نظر افراد مطلع تا حدودی موفق بوده ایم ولی این مانع نیست و ما را از پیگیری باز نمیدارد . پیوند مجله علمی تربیتی آنهم بزبان مردم و بقالب ریختن کلماتی که برای همگان قابل درک و فهم باشد کار سهلی نیست اگر بپذیریم آموزش و پرورش امری فنی و تخصصی است چگونه این تخصص و اصطلاحات را بمیان مردم ببریم هدف بود کوشش کرده ایم و امید زیادی داریم که در آینده نیز راهمان را ادامه دهیم . ما خود هنوز پیوند را کامل نمیدانیم و بیش از حد تلاش و توان میخواهد همینجا باید اعتراف کنیم بوجود و هنر و قلم شما نیز نیاز داریم ما را یاری دهید و با ما ارتباط بیشتر برقرار کنید امیدوارانظار ما بشما مردم است ، محبت و علاقه خود را از ما دریغ ندارید و بدانید ما بر آن ارج بسیار می نهیم و از خدای بزرگ میخواهیم در سال نو ، الطاف خود را از ما دریغ نفرماید و ما را بر راهی و صراطی قرار دهد که میزان اوست .  
خدایار و نگهدار شما باشد - پیوند



دیروز که مادر جان  
رفتی تو به مهمانی  
آسمان چشم من  
ابری شد و بارانی  
تو رفتی و این خانه  
سرد و زشت و غمگین شد  
قلب کوچکم از غم  
آزرده و سنگین شد

\*\*\*\*\*

بارفتن تو شادی  
پرکشید و پنهان شد  
در خانه ما غصه  
سر رسید و مهمان شد

\*\*\*\*\*

تا تو آمدی مادر  
خانه گرم و روشن شد  
دشت خشک این خانه  
خرم شد و گلشن شد  
تا تو آمدی مادر  
خنده بر لبم بنشست  
خورشید درخشنده  
در جای شیم بنشست  
فریاد زدم ——— مادر  
از تو مهربانتر کیست  
جز خدا کسی دیگر  
از تو مهربانتر نیست  
جز خدا کسی دیگر  
از تو مهربانتر نیست



را در روابطی انسانی ، گرم ومحبت آمیز  
پیش میبردند .

در همین شیوه کار بسیار ظریف و حساس  
دیگری انجام میشد و آن بازگویی اشکالات  
انتقادات ، گلهها ، رنجشها ونکته بینیها در  
رفتارها از همدیگر بود . معلمان عموماً در  
مصاحبههای خصوصی نقطه ضعفهای مرا  
میگفتند و این در خودسازی و رفع کمبودها و  
نقصها کمک موثری برایم بود . در کلاس گاه  
یامن یا معلمان هر کلاس روی تخته مینوشتیم  
" خصوصی است " آنزمان هر دانشآموز  
میدانست که میتواند مکتوبان قلبی خود را  
بنویسد ، بدون آنکه معلم یا مدیر کوچکترین  
عکس العملی نسبت به مطلب یا حتی افشای  
آن انجام دهند . در این قرار آنچنان محکم  
و سخت بودیم که شاگرد براحتم تمام نقطه

سازد عکس العمل کند . بچهها دروغ ، بی -  
عدالتی ، خشونت ، تبعیض ، سخن ناروا ،  
تحکم و تهدید را نمیپذیرد و افسرده میشود  
و اگر اشک نریزند دردشان و غمشان و اعتراض -  
شان در نگاهشان پیداست . معلم وقتی  
قدرت درک نگاه را بدست آورد در اعمال  
و رفتار و در سخنان خود تجدید نظر میکند .  
در نگاه بچهها معلم مدام چهره واقعی خود  
را میبیند وبهین دلیل نخستین کارمن باهر  
معلم جدید ، حساس کردن او نسبت به  
بچهها بود . در این رابطه بود که معلمان  
خیلی زود به نواقص کاری و رفتاری خود پی -  
میبردند . نکتههای ظریف روحی و اخلاقی را  
درک میکردند وبا نرمش و عطف جمع کلاس



ضعفها را در معلم و مدیر و کارکنان را مطرح میکرد . این نکته‌ها همیشه آموزنده و گاه کوبنده بود ولی به پاک کردن محیط مدرسه کمک میکرد . البته باید مجددا تاکید کنم و خاطر نشان سازم که حتی یک جمله از نوشته یا گفته‌های دانش‌آموز در جایی مطرح نمیشد نوشته‌های " خصوصی است " راهمیشه نابود میکردیم . حریم اعتماد را نمی‌شکستیم چون اگر میشکستیم هرگز نتیجه نمی‌گرفتیم . ماهم نامه‌های " خصوصی است " برای دانش‌آموزان مینوشتیم . چون ما در خود ظرفیت انقاد پذیری ایجاد کرده بودیم و شاگرد عملا تغییر رفتار را میدید او نیز بخودسازی و تزکیه ترغیب میشد .

شیوه دوم : شورائی کردن تمام کار مدرسه بمعنای تربیتی واقعی . در جامعه کوچک مدرسه شورای دانش‌آموزان بعنوان قوه مقتنه اجرائیه و قضائیه امورات مدرسه را در دست داشت . قوانین و مقررات داخلی مدرسه را شورای نمایندگان ثابت دانش‌آموزان تدوین میکرد و به تصویب شورای آموزگاران و شورای والدین میرساند .

شورای ماهانه دانش‌آموزان اموراتی را در دست داشت و نمایندگان همراه با انتخاب دانش‌آموزان تغییر و امور داخلی مدرسه را تنظیم میکردند . در مواردی نمایندگان همراه معلمان درباره مسائل اخلاقی نظر میدادند . باین ترتیب عملا مشاوره دائم و قدرت تصمیم‌گیری شوراها در داخل مدرسه

کل برنامه‌های تربیتی ، آموزشی ، اجتماعی در تغییر و تحول بود و خود امر مشاوره سبب تربیت افراد میشد و آنها را از حالت سکون عدم احساس مسئولیت و بی تفاوتی خارج میساخت .

ناگفته نماند که این کار زمان ، حوصله ، صداقت و مناتت فراوان می‌خواهد ولی وقتی اجا افتاد حرکت و پویائی و پیشرفت مدرسه را تضمین میکند و بکار تربیتی عمیق ، نازگی و گسترش کافی میبخشد .

شیوه سوم : را تحت عنوان تربیت متقابل و مداوم یا امر به معروف و نهی از منکر مینویان مطرح کرد . این شیوه بین دونفر ، چند نفر یک کلاس و یا یک جمع انجام میشود و مطلقا با شیوه مرسوم در مدارس بسته که حالت خبرچینی و گزارشگری دارد مغایر است . هیچکس حق شکایت ، چغلی و گزارش را ندارد . هیچ معلمی و هیچ فردی در مدرسه گزارشگری و خبرچینی را قبول نمیکند و آن را تحت عنوان عادت زشت غیبت کردن رد میکند . اگر از کسی عمل خلافی سرزد و کسی دید باید بخودش بگوید . استدلال نکند و آنقدر پافشاری کند تا خلاقار یا منصرف شود یا ترک عمل خلاف را بکند . این شیوه براین اصل استوار است که حقیقت گوئی تنبیه ندارد . در مدرسه این شیوه کار سبب شد که دانش‌آموزان با سانی عمل خلاف خود را قبول کنند .

بقیه در صفحه ۵۸

دریافته‌اند که تعداد زیادی از نوزادان نارس بعد از مورد بدرقاری پدر و مادر قرار میگیرند. این محققان عقیده دارند که این بدرقاریها حاصل جدا کردن آنان از مادر در لحظات اولیه پس از تولد است.

برای ایجاد ارتباط و علاقه بیشتر بین مادران و نوزادان نارس باید بمادران اجازه داد که هر وقت میل دارند از اطاق فرزند خود بازدید کرده او را مورد نوازش و ملامسه قرار دهند و غذا دادن و عوض کردن کهنه بچه را بعهده بگیرند.

حتی وقتی زایمان طبیعی و بچه نیز سالم باشد، باز هم برخی از مادران و نوزادان مشکلاتی از نظر احساس تعلق بهم پیدا میکنند. اغلب این مشکلات را میتوان حاصل نحوه تماس مادر و نوزاد در ساعات اولیه پس از تولد دانست. چهارنفر از محققان برای روشن کردن این نظر کوشیدند که مشکلات رفتار پدر و مادر را در ۱۵۰ مادر که براساس میزان تماس بعد از تولد نوزاد با او به دو گروه "ریسک زیاد" و "ریسک کم" از نظر ایجاد مشکلات در رابطه با فرزندشان خود تقسیم شده بودند پیش‌بینی کنند. بنا بود که این پیش‌بینی‌ها براساس مصاحبه پیش از زایمان مشاهده اطاق زایمان، و مشاهدات بعد از زایمان بعمل آید. وقتی که این نوزادان به هفده ماهگی رسیدند محققان از منزل آنها بازدید کردند. مشاهده شد که کودکانی که فرزند مادران گروه "ریسک زیاد" بودند

دچار بدرقاریهای والدین شده‌اند. حوادث منجر بمراقبت پزشکی و مواظبت ناکافی و ناقص در بین این گروه بمراتب بیشتر از بچه‌های والدین گروه "ریسک کم" بود. از میان کلیه عواملی که در پیش‌بینی رفتار آینده پدر و مادر از همه دقیقتر بود، مشاهدات مربوط به تماس مادر و فرزند بلافاصله بعد از تولد نوزاد در اطاق زایمان بود.

هرچند تحقیقات درمورد روز اول زندگی هنوز بسیار تازه و نوپا است ولی ما بقدر کافی در این باره اطلاعات داریم که بتوانیم بگوئیم شرایط مطلوب برای این روز چیست. در سناریوی ایده آل مانند هنگامی اجازه جدا کردن نوزاد پس از تولد آنهم برای مدت کوتاهی بمنظور تمیز کردن او داده میشود که پدر و مادر فرصت لمس و خیره شدن در چشم فرزند نوزاد خود داشته باشند. بنظر ما به محض اینکه فرصتی پیش آمد، این خانواده باید به اطاقی خصوصی منتقل شوند تا در آنجا ساعات اولیه پس از زایمان را در کنار هم و باهم بگذرانند. مادر و نوزاد باید دو برهنه باشند تا تماس پوست به پوست آنها ممکن گردد. یک چراغ حرارتی باید در اطاق روشن باشد تا حرارت بدن نوزاد را ثابت نگهدارد. برای بقیه مدت اقامت در بیمارستان، مادر و فرزند باید حداقل پنج ساعت را در روز باهم بگذرانند و این زمان باید اضافه بر ساعات شیردادن باشد.

به انگیزه‌هایی است که مری باید در او پدید آورد .

از نکات مهم و داشتن او به هدفداری است و سیردادن او بسوی الله . یعنی وضع باید بگونه‌ای باشد که او مسئولیت را برای رضای خدا بپذیرد و بسوی هدف بینهایت سیر کند بدیهی است آزمایش‌ها در این زمینه باید متنوع و متعدد و ترغیب‌ها بسیار باشد گونه که خدا نیز در شرایط و امکانات گوناگون آزمایش‌های متعددی را درباره فرد بمرحله اجرا در می‌آورد .

#### فضیلت انسان

انسانها همانند هم و در پیشگاه خداوند در شرایط مساوی یکسان ارزش دارند . اما در عین حال براساس آیات و روایات بسیار برخی بر برخی دیگر برتری و فضیلت است . این فضیلت در سایه تقوا ، بمعنی خود نگهداری از غرق شدن در آفات و مفسده‌ها- است .

اسلام کرامت انسان را در تقوا و ارزش اجتماعی او را در انجام خدمت ب مردم میدانند . و نیز میتوان گفت کرامت انسان اصل است ولی گرامیترین آنها بانقویترین آنهایند . آنچه در تربیت اهمیت دارد بیان مفاهیم و مصادیق خود نگهداری و تقوا ، راههای وصول بآن و هدایت افراد برای

#### اهمیت ارزش‌اساسی او

انسان در سایه تربیت گاهی به درجه‌ای میرسد که موجد تحول در جامعه میشود ، آنهم جامعه‌ای بس عظیم . پیامبران ، امامان ، مصلحان ، فیلسوفان و همه کسانیکه بنوعی در روشنگری جامعه نقشی اساسی دارند در نقشه کلی هرکدام فردی هستند چون دیگر افراد که میخورند و میآشامند و کار میکنند ولی ارزش وجودی‌شان بدرجه‌ای میرسد که معادل ارزش وجودی یک امت میشود .

از سوی دیگر او خشت اول بنای جامعه است ، با در کنار هم آمدن یک یک آنها حیات جامعه رنگ و قوام میگیرد و بر اثر آن فرهنگ مادی و معنوی جامعه پدید میآید ، کارها سروسامان میگیرند ، تولیدها افزایش مییابند ، ابداع و ابتکار رونق پیدا میکند ، و جامعه انسانی متفاوت از جامعه حیوانی میشود .

بزحمت میتوان نیروئی در آدمی یافت که خیر یا شر خالص باشد ، عبارت دیگر بسیاری از نیروها و زمینه‌ها در آدمی جهت ندارند و باید بگونه‌ای جهت داده شوند و این بهنگامی است که بنای عقیده‌های روشن و شکوهمند در ضمیر او مستحکم شود و او

# احادیث و روایات

من اطاع التواني احاطت به الندامه

علی علیه السلام

ترجمه : هرکه سستی و تنبلی را پیشه خود سازد پریشانی و پشیمانی او را احاطه خواهد کرد .

اسلام کار خود را از آغاز با تحرک و فعالیت شروع کرد رسول خدا در برابر استهزاء و اذیت‌های مشرکان استقامت کرده همچنان براهنمائی و ارشاد انسان‌ها میپرداخت و هیچگاه سستی و ناامیدی براو چیره نمیشد و هر قدر دشواریها و شدائد توسعه می یافت اراده او استوار تر میگشت شاید عده‌ای باشند که گمان کنند اسلام بکمک خدا و فرشتگان ابتدا در عربستان و سپس در نقاط مختلف جهان گسترش یافت و این عظمت و تعالی اسلام بود که جای خود را باز کرد و مسلمانان در گسترش آن نقشی نداشتند .

مطالعه دقیق تاریخ صدر اسلام این توهم را مردود میداند چه همه مورخان نمیتوانند فداکاریهای باران یا وفای رسول خدا که در برابر شکنجه‌های دردآور مشرکان مکه مقاومت کرده و از حریم اسلام دفاع میکردند فراموش

کنند . محاصره اقتصادی مسلمانان توسط کفار مکه و هجرت‌های مسلمانان بحیثه و مهاجرت ناگوار رسول خدا از مکه و زادگاه خویش بمدینه و درگیریهای جنگی وعدم توازن نیروهای مسلمانان و کفار در جنگهای خندق و احد همه و همه حاکی است که مسلمانان صدر اسلام با جانبازه و قبول شهادت و از دست دادن باغها و خانه‌های خود اسلام را از همه خطرات محفوظ نگاه داشتند و اگر تلاش و کوشش آنان وجود نداشت امروزه از اسلام و مسلمانان نام نشانی دیده نمیشد پس اسلام با فداکاریها بدست ما رسیده است .

رسول خدا (ص) با اینکه نقش فرماندهی همه مسلمانان را بعهده داشت و در همه دشواریها با مسلمانان شریک و سهیم بود معهدا از ترس اینکه مبدا دچار سستی شده باشد بخدای خود پناه برده عرض میکرد : اعوذ بک من الکسل : یعنی بارخدا یا مرا از سستی و تنبلی برکنار دار شبها آنچنان بعبادت و راز و نیاز با خدای خود میپرداخت که هیچ انسانی را قدرت برابری با او نبوده

یعنی انسان چیزی سرگوشی و شناس ندارد  
حواه این شخصیت مربوط بدنای مادی یا  
درجات علمی و فکری ویا امور معنوی او باشد  
پس تلاش‌های انسان است که شخصیتی برای  
او میسازد .

از همین رهگذر اسلام رهبانیت را حرام  
کرده بجای آن کاروکوشش را بمسلمانان  
توصیه کرده است ودر این مرحله قدم را  
فرا تر نهاده کسی را که بردوش دیگران سوار  
بوده از دسترنج آنان بهره میگیرد از رحمت  
بیکران خود محروم ساخته و فرموده است :  
ملعون من القى کله علی الناس : آنکه از  
دسترنج دیگران بهره گیرد از رحمت خدا  
بدور است .

دانشمندان تعلیم و تربیت معتقدند که  
کودک تا زمانی که احساس احتیاج ننماید  
هیچگاه بفعالیتی نخواهد پرداخت پس  
وظیفه حساس معلمان و مربیان آگاه و دلسوز  
در اینست که تعادل کودکان و شاگردان را بهم  
زده در آنها احساس احتیاج بوجود آورند  
بدیهی است وقتی انسان احساس احتیاج  
کند برای آنکه آن را برطرف سازد خود را به  
آب و آتش خواهد زد شاید رمز موفقیت و  
پیروزی بسیاری از نواغ و بزرگان دینی  
و علمی ، مرهون نیاز و احتیاج آنان بوده  
است چه از نظر خانوادگی و امرار معاش گرفتار  
بحران هائی بوده اند .

در چنین مواقع است که استعداد ها بکار



و خدایش میفرمود که ما قرآن فرو نفرستادیم  
تا تو خود را بدشواری و تعب افکنی .

اسلام دین کار و کوشش است قرآن  
شخصیت انسان را وابسته بمیزان کار و کوشش  
او میداند و میفرماید لیس للانسان الاماسی

گرفته شده نیروهای فکری و روحی انسان هارشد شکوفائی خواهند یافت در نتیجه خلاقیت و ابتکار چون چشمای جوشان جوشیدن خواهد گرفت .

یکی از نویسندگان بزرگ غربی میگوید رمز زندگی و حیات در کار و کوشش است مال و ثروت و شهرت و مقام نمیتواند لذت و حلاوتی که پس از انجام کار و کوشش نصیب و عاید انسانها میشود بما بدهد و برعکس غم و افسردگی که بر اثر سستی و تنبلی دامنگیرمان میگردد نمیتوان آن را جز با کار و کوشش جبران و تدارک کرد .

در خاتمه باید تذکر داد که امروزه ملت مسلمان ایران با نثار خون پاک عزیزان و جوانان برومند خود زنجیرهای اسارت و وابستگیها را یکی پس از دیگری پاره کرده به استقلال و آزادی دست یافته است دشمنان

بقیه از صفحه ۴۷  
بتواند ترجمان زنده این عقیده گردد و مربی باید چنین زمینهای را در او پدید آورد .  
انسان ارزشمند است ولی ارزش او تنها در رعایت آزادی ، رعایت حقوق فردی ، رعایت عدالت اجتماعی و . . . نیست بلکه بهنگامی است که او در کل حاوی همه فضائل ممکنه و معجونی از جلوههای صفات جمال و جلال الهی گردد و خداگونه زندگی کند ، دیدار او یاد خدا را در دلها زنده سازد و بسوی هدف الله در حرکت و سیر باشد .

داخلی و خارجی میکوشند با سم پاشی ها و ایجاد تشنج و درگیریهای جنگی مسلمانان را بعجز و ناتوانی درآورده دست آوردهای انقلاب را یکی پس از دیگری نابود سازند

ولی ملت عبور مسلمان باید بپاخاسته با کار و کوشش همه جانبه و پیگیر و بااستخدام گرفتن همه نیروهای فکری و روحی از اسلام عزیز و قیام شکوهمندمان دفاع کند و فراموش نکنیم که خدای نکرده اگر دچار سستی و زبونی شویم علاوه بر اینکه خون همه شهداء خود را بهدر داده ایم بلکه تازیانه قهر الهی بر سر و روی همه افراد اجتماع ما نواخته خواهد شد

بقیه از صفحه ۲۳

زن بهتر است در این موقع از کارهای سنگین و خسته کننده بدنی و فکری اجتناب نماید ، و در حال استراحت و کناره گیری باشد

باتوجه به عقاید مختلفی که قبل از اسلام راجع بزنان ، در دوران رگل متداول بود ارزش علمی و انسانی دستورات اسلام را در مییابیم و متوجه میشویم که دین مبین اسلام چه حق بزرگی برانسانها پیدا میکند .  
چون گروهی معتقد بودند که برای داشتن فرزند سفاک و خونخوار بهتر است در دوران قاعدگی با زنان نزدیکی کنند و گروهی دیگر مانند یهودیان در دوران قاعدگی زنان را مطرود و محروم نکه میداشتند و آنان را از هر گونه برخورد اجتماع منع میکردند .